

دو فصلنامه پژوهشنامه نسخه‌شناسی متون نظم و نثر فارسی

سال هفتم، شماره هجدهم، پاییز و زمستان ۱۴۰۱

نسخه‌شناسی و بازشناسی کتاب کشف‌الارتیاب^۱

کاظم استادی^۲

کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه قرآن و حدیث، قم، ایران

چکیده

پس از نشر کتاب *فصل الخطاب* محدث نوری (م. ۱۳۲۰ ق.)، ردیه‌هایی درباره‌ی این اثر نوشته شد؛ از میان این ردیه‌ها، طبق اسناد موجود و بنابر نقل آقابزرگ تهرانی و به تبع او برخی دیگران، محدث نوری فقط به یکی از ردیه‌ها، یعنی کتاب *کشف‌الارتیاب فی عدم تحریف کتاب رب‌الارباب* پاسخ داده است. این رساله‌ی حاجی نوری، از جهات مختلف تاریخی و علمی، برای روشن شدن برخی از مسائل مطرح شده درباره‌ی وی و نیز مسئله‌ی تحریف قرآن، بسیار مهم است؛ زیرا ادعا شده است که رساله‌ی *جوابیه‌ی میرزای نوری* در رد شبهات کتاب *کشف‌الارتیاب* است؛ اکنون لازم است درباره‌ی این کتاب، سؤالات و پژوهش‌هایی صورت گیرد؛ مسائلی همچون ۱- نسخه‌های خطی *کشف‌الارتیاب* کدام است؛ و این کتاب چه مشخصه‌هایی دارد؟ ۲- نام اصلی این کتاب چیست و چه کسی و با چه شرح حالی آن را نگارش است؟ ۳- محتوای کتاب *کشف‌الارتیاب* چیست و پرداختن به کتابشناسی آن می‌تواند چه موضوعاتی را روشن کند؟ ۴- آیا رساله‌ی *جوابیه‌ی محدث نوری* در جواب کتاب *کشف‌الارتیاب* بوده است؟ در پژوهش حاضر، ضمن معرفی نسخه‌های خطی کتاب *کشف‌الارتیاب* و بررسی شکلی و محتوایی آن و نیز تأمل

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۹/۲۳

^۱ تاریخ وصول: ۱۴۰۱/۶/۱۶

^۲ kazemostadi@gmail.com

در ترجمه مؤلف، مشخص شد که آقابزرگ تهرانی در شناسایی و معرفی کتاب کشف‌الارتیاب و ارتباط آن با جوابیه محدث نوری، دچار اشتباه یا سوءتفاهم بوده است و این ردیه بر فصل الخطاب، ارتباطی به رساله جوابیه (۱۳۰۳ ق.) محدث نوری ندارد؛ بلکه جواب گفته شخص دیگری، به جز معرب تهرانی است.

واژه‌های کلیدی

تحریف‌نشدن قرآن؛ فصل الخطاب؛ رساله ردیه؛ کشف‌الارتیاب؛ معرب تهرانی

۱- مقدمه

پربسامدترین و مهم‌ترین مسئله مناقشه‌آمیز در ادیان ابراهیمی - الهی، مسئله تحریف لفظی و معنوی کتاب آسمانی در هر دین است که یکی از آنها، کتاب قرآن در دین مبین اسلام است. برپایه گزارش‌های موجود، از پایان قرن چهارم تاکنون، برخی از علمای شیعه و سنی شناخته شده‌اند که از احتمال حذف و تغییر در مصحف قرآن عثمانی سخن گفته‌اند و غالباً با اتکا بر بعضی روایات، از این مسئله حمایت کرده‌اند. از سوی دیگر، برای دفع این نظریه، نوشته‌های غیرمستقل و مستقلی نگارش یافته است که برخی از آنها عبارت‌اند از:

- ۱- نفی التحریف عن القرآن الشریف، ابوالحسن علی واحدی نیشابوری (۴۶۸-۳۹۸ ق.).
- ۲- رساله فی نفی التقیصه، علی بن عبدالعالی کرکی (م. ۹۴۰ ق.).
- ۳- تواتر القرآن، محمد بن حسن (م. ۱۱۰۴ ق.).
- ۴- کشف الحجاب و النقاب فی وجه تحریف الکتاب، ملا محمد سلیمانی (ق. ۱۲).
- ۵- صیانه القرآن من التحریف اثر محمدهادی معرفت (م. ۱۳۸۵).

اما به سبب نگارش چند کتاب در قرون اخیر، «نهضت ردیه‌نویسی» بر تحریف قرآن بسیار پررنگ و به اوج خود رسید. یکی از جنجالی‌ترین کتاب‌های متأخر که احتمال حذف

و تغییر در مصحف عثمانی را صحیح و قوی دانسته است، کتاب *فصل الخطاب* میرزا حسین نوری (م. ۱۳۲۰ ق.) است.

محدث نوری در سال ۱۲۹۲ ق. و در حدود سن ۳۸ سالگی، کتابی تحت عنوان *فصل الخطاب فی تحریف کتاب رب الأرباب* نگاشت که در سال ۱۲۹۸ ق. منتشر شد. وی در این کتاب، دلایلی در تحریف قرآن ارائه کرده است. محدث در دیباچه کتاب نوشته است: «... این کتابی است لطیف که در اثبات تحریف قرآن [به معنی کم‌شدن آیات]، و فضایح اهل جور و عدوان فراهم آورده‌ام و آن را *فصل الخطاب فی تحریف کتاب رب الارباب* نام نهادم...» (نوری، چاپ‌سنگی، ۱۲۹۸ ق: دیباچه).

حاج میرزا حسین بن محمد تقی بن المیرزا علی محمد النوری از علمای مهم شیعه معاصر و از نویسندگان پرتألیف است که حدود چهل عنوان کتاب نوشته است (نک. تهرانی، ۱۴۰۸ ق: ۴۸۸/۳، ۱۸/۱۱، ۲۳-۲۰/۱۵ و ۲۰۲، ۲۳۱/۱۶، ۱۲۴/۱۸، ۷-۵/۲۱ و ۲۰۰، ۳۱۲/۲۳) است. وی به سال ۱۲۵۴ ق. در نور طبرستان متولد شد و در سال ۱۳۲۰ ق. درگذشته است (برای دیدن شرح حال وی، نک. صحتی، ۱۳۷۴ ش: سراسر متن).

در اهمیت شأن محدث نوری می‌توان گفت در طول حدود دویست سال اخیر تاریخ حدیث شیعه، کمتر اجازه‌نامه‌روایی یافت می‌شود که نام محدث نوری بر آن نباشد (نک. امین عاملی، ۱۴۲۱ ق: ۱۴۳/۶؛ نوری، ۱۴۱۹ ق: ۴۶-۴۷؛ تهرانی، ۱۴۰۴ ق: ۵۵۳/۲).

صاحب *اعیان‌الشیعه* (م. ۱۳۷۱ ق.) درباره‌ی وی می‌نویسد: «میرزای نوری، عالمی فاضل و محدث بود. تخصص و تبخر او در علم رجال و حدیث، زبانزد خاص و عام بوده، و همه دانش او را در این دو حوزه، به‌خوبی می‌دانستند. علاوه‌بر این، در سیره و تاریخ نیز متخصص و آگاه بود و به‌طور خلاصه، می‌توان او را از جهت احاطه بر اخبار و آثار، یگانه‌زمانه دانست» (امین عاملی، ۱۴۲۱ ق: ۱۴۳/۶).

پس از نشر کتاب *فصل الخطاب*، ردیه‌هایی درباره‌ی این اثر نوشته شد که به‌زودی به آنها خواهیم پرداخت. از میان این ردیه‌ها، طبق اسناد موجود و بنابر نقل آقابزرگ تهرانی (نک.

تهرانی، ۱۴۰۸ ق: ۲۳۲/۱۶؛ نیز: ۲۲۰/۱۰) و به تبع او، نقل برخی دیگران، محدث نوری فقط به یکی از ردیه‌ها، یعنی کتاب کشف‌الارتیاب فی عدم تحریف کتاب رب‌الارباب یا کشف‌الارتیاب عن تحریف کتاب رب‌الارباب پاسخ داده است. این پاسخ حاجی نوری، رساله‌ای بیست‌صفحه‌ای است و تحت چند عنوان، در برخی کتابخانه‌ها فهرست‌نویسی شده است (نک. استادی، ۱۴۰۰: ۱-۲۰).

این رساله از جهات مختلف تاریخی و علمی، برای روشن‌شدن برخی از مسائل مطرح‌شده دربارهٔ محدث نوری و نیز مسئلهٔ تحریف قرآن، بسیار مهم است؛ اما از آن‌سو، چون گفته شده است که جوابیهٔ حاجی نوری در رد شبهات کتاب کشف‌الارتیاب است، اکنون لازم است دربارهٔ این کتاب، سؤالات و پژوهش‌هایی صورت گیرد؛ مسائلی مانند ۱- نسخه‌های خطی کتاب کشف‌الارتیاب کدام‌اند؛ و این کتاب چه مشخصه‌هایی دارد؟ ۲- نام اصلی این کتاب چیست و توسط چه شخصیتی و با چه شرح حالی نگارش یافته است؟ ۳- محتوای کتاب کشف‌الارتیاب چیست و پرداختن به کتابشناسی آن می‌تواند چه موضوعاتی را روشن کند؟ ۴- آیا رساله جوابیهٔ محدث نوری در جواب کتاب کشف‌الارتیاب است؟

۱-۱ پیشینه پژوهش

جدای از برخی اندک از عناوین که در مقدمه قبل گذشت، نوشته‌ها، مقالات و کتاب‌های بسیاری دربارهٔ مسئلهٔ تحریف و عدم تحریف قرآن نگارش یافته است. کتابشناسی مفصلی در این زمینه و در دههٔ گذشته با معرفی حدود پانصد اثر منتشر شده است (نک. استادی، ۱۳۹۶). همچنین، نوشته‌ها و مقالات و کتاب‌های زیادی نیز به‌طور اختصاصی دربارهٔ کتاب *فصل الخطاب* محدث نوری نوشته و منتشر شده است که بیشتر آنها نیز در همان کتابشناسی عدم تحریف قرآن در دسترس است. همچنین، پایان‌نامه‌هایی در ترجمه و تصحیح کشف‌الارتیاب نگارش یافته است که به‌زودی به آنها می‌پردازیم؛ اما تاکنون مقاله یا کتابی دربارهٔ بررسی کتابشناختی کشف‌الارتیاب منتشر نشده است و به نظر می‌رسد مقاله حاضر اولین پژوهش برای این کتاب و مسائل مختلف آن باشد.

۲- معرفی نسخه‌های خطی و چاپی کتاب

با جست‌وجوی فراوانی که صورت گرفت، این نسخه‌های خطی و چاپی از کتاب کشف‌الارتیاب، شناسایی یا یافت شد که در دو بخش ارائه می‌شود:

۱-۲ معرفی نسخه‌های خطی کشف‌الارتیاب

کتاب کشف‌الارتیاب جدای از یک گزارش، پنج نسخه خطی فهرست‌نویسی شده است که دو تای آنها در واقع یک نسخه هستند (نک. استادی، ۱۳۵۴: ۳۰؛ مرعشی، ۱۳۹۰: ۱۹)؛ بنابراین اکنون چهار نسخه خطی از این کتاب موجود است.

- نسخه گزارش شده اعیان‌الشیعه

سید محسن امین (م. ۳۷۱ ق.) به مناسبت معرفی شیخ محمود تهرانی نوشته است: «المیرزا محمود بن ابي القاسم الطهراني المعاصر له كتاب كشف الارتياب عن تحريف كتاب رب الأرباب یرد به علی كتاب فصل الخطاب لمیرزا حسین النوري منه نسخة مخطوطة عند الشيخ عبد المولى الطريحي فرع منه مؤلفه ۱۷ جمادی الآخرة من السنة الثانية من المائة الرابعة بعد الألف هجرية. و عليه تقریظ للسید أبو طالب الموسوي الزنجاني» (امین عاملی، ۱۴۰۳ ق: ۱۰/۱۰۱).

ابوطالب در این گزارش، در واقع میرزا ابوطالب زنجانی (م. ۱۳۲۹ ق.) از علمای تراز اول تهران است که مورد توجه میرزای شیرازی قرار داشت و روابط خوبی نیز با حکومت ایران برقرار کرده بود (نک. صحرائی، ۱۳۹۵: ج ۶۶۲/۲۱-۶۶۴).

این تقریظ و متن آن از جهتی بسیار مهم است و شاید بتواند معمای جوابیه محدث نوری بر کتاب کشف‌الارتیاب را روشن کند؛ اما با جست‌وجوی فراوان در فهرس و منابع و نیز پرس‌وجو از اهل فن نسخه‌شناسی ایران و عراق، متأسفانه این نسخه دستیاب نشد. ظاهراً این نسخه یا از بین رفته است و یا در جنگ سرنگونی صدام حسین و تغییر و انتقالات برخی از کتابخانه‌های نسخ خطی مفقود شده است.

– تهران؛ کتابخانه مجلس شورای اسلامی (نسخه ۱)

کد دستیابی به کتاب: ۵۴۹۳

کاتب نسخه: نامشخص.

تاریخ کتابت: نامشخص.

محل کتابت: تهران.

آغاز نسخه: بسمله، الحمد لله الذي انزل على عبده الكتاب و لم يجعل له عوجاً فيما لينذر بأساً شديداً من لدنه ...

انجام نسخه: نسيل الله تعالى ان يثبت ما كتبناه في ديوان الصالحات و يمحوبه عنا ما كتبه الحفظه في صحايف السيئات انه ولى الخيرات.

انجامه: و قد فرغ منه مؤلفه الراجي عفوره الكريم، سابع عشر جمادى الآخرة من السنة الثانية من المائة الرابعة بعد الالف من الهجرة النبوية على مهاجرها الف الف سلام و تحية حامدا مصلياً و الحمد لله رب العالمين.

مشخصات ظاهري نسخه: خط: نسعليق. ۲۶۷ برگ، ۱۳ اس ۱۵×۶ سطر؛ ۵/۲۲×۱۵ س.م. نوع

کاغذ: فرنگی نخودی. نوع و تزیینات جلد: مقوایی پارچه‌ای تریاک، عطف تیماج مشکى.

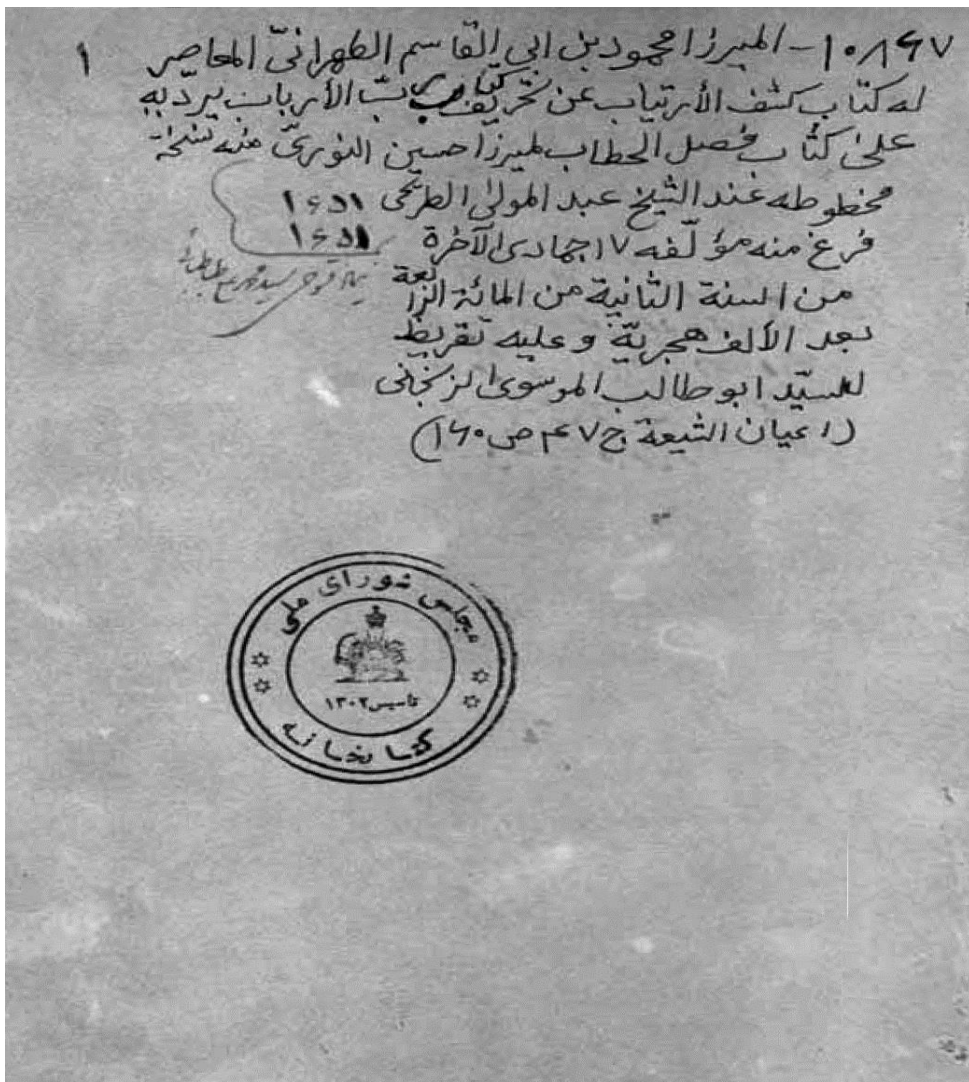
– در صفحه بدرقه کتاب، با خط متفاوت از متن، جمله از اعیان الشیعه (نک. امین عاملی، ۱۴۰۳ ق: ۱۰/۱۰) نوشته شده است: «۱۰۸۶۷ - الميرزا محمود بن أبي القاسم الطهراني المعاصر؛ له كتاب كشف الارتباب عن تحريف كتاب رب الأرباب يرد به على كتاب فصل الخطاب لميرزا حسين النوري منه نسخة مخطوطة عند الشيخ عبد المولى الطريحي؛ فرع منه مؤلفه ۱۷ جمادى الآخرة من السنة الثانية من المائة الرابعة بعد الألف هجرية و عليه تقریظ للسيد أبوطالب الموسوي الزنجاني (اعيان الشيعة، ج ۴۷ ص ۱۶۰)».

– در حاشیه صفحه اول اصلی کتاب، با خط متفاوت از متن و رنگ روشن تر که ظاهراً

پس از وفات حاجی نوری (م. ۱۳۲۰ ق.) است، نوشته شده است: «هذا كتاب كشف

الارتیاب للمولی الهی الشیخ محمود الطهرانی الدامغانی المعروف بمعرب؛ رد علی کتاب فصل الخطاب، الذی من تألیفات العالم الصمدانی و غواص بحار اخبار ال اطهار سلام الله علیهم اجمعین، الحاج میرزا حسین النوری طبرسی او طبری علیهم ثنایب الرحمه و العفو عن الذلل و المغفره عن الخطاء و الخلل».

منبع: ملاحظه عکس نسخه؛ فهرست مجلس شورا ۱۶/۳۸۹ و ۳۵/۶۴.



کتاب کشف الایات فی التوراة
الذی انزل علی عبدہ کتاباً
الذی فی التوراة معبر بر علی کتاب
الذی فی التوراة معبر بر علی کتاب
الذی فی التوراة معبر بر علی کتاب
الذی فی التوراة معبر بر علی کتاب
الذی فی التوراة معبر بر علی کتاب

الحمد لله الذي انزل على عبده الكتاب ولم يجعل
له جواً قيماً لينذر بأساً شديداً من لدنه ويشير
للمؤمنين والصلاة والسلام على من اتبعته
بالذكر الحكيم والفرقان العظيم محمد خاتم النبيين
وسيد المرسلين وعلى اله الأئمة المنتجبين خيرة
علمه وتراجمة وجهه الذين خصهم الله بعلم التنزيل
وجعلهم المرجع في معرفة ما فيه من التفصيل والتأويل
صلوة دائمة بدار السموات والأرضين أما بعد

تفصيل

۲۶۷

انه في الخيرات وقد فرغ منه مؤلفه
الراجي عفورة الكريم سابع عشر جمادى
الآخرة من السنة الثانية من المائة الرا
بعه بعد الالف من الهجرة النبوية على
مهاجرة الف الف سلام وتحتة حا
مد اصلياً والحمد لله رب العالمين



– بغداد؛ کتابخانه دارالمخطوطات

کد دستیابی به کتاب: ٢٨٠٩٤

کاتب نسخه: نامشخص.

تاریخ کتابت: کتبت فی حياة المؤلف (یعنی قبل از ١٣١٢ ق).

محل کتابت: نامشخص.

آغاز نسخه: الحمد لله الذي انزل على عبده الكتاب و لم يجعل له عوجا... .

انجام نسخه: همانند موارد قبل.

مشخصات ظاهری نسخه: ٣٦٦ برگ، ١٣ سطر؛ ٢٠×١٥ س.م.

منبع: فهرس مخطوطات علوم القرآن الکریم و تفاسیره فی مکتبات العراق.

– قم؛ کتابخانه آیت الله مرعشی

کد دستیابی به کتاب: ٧٣٦١

کاتب نسخه: محمد (ملقب به قاسم) بن خلیل باکویی.

تاریخ کتابت: جمادی الاول ١٣١٨ ق.

محل کتابت: ری.

آغاز نسخه: همانند موارد قبل.

انجام نسخه: همانند موارد قبل.

انجامه: و فرغ مستنسخه الراجی عفور به العاصی المدعو بمحمد الملقب بالقاسم ابن المرحوم المغفور

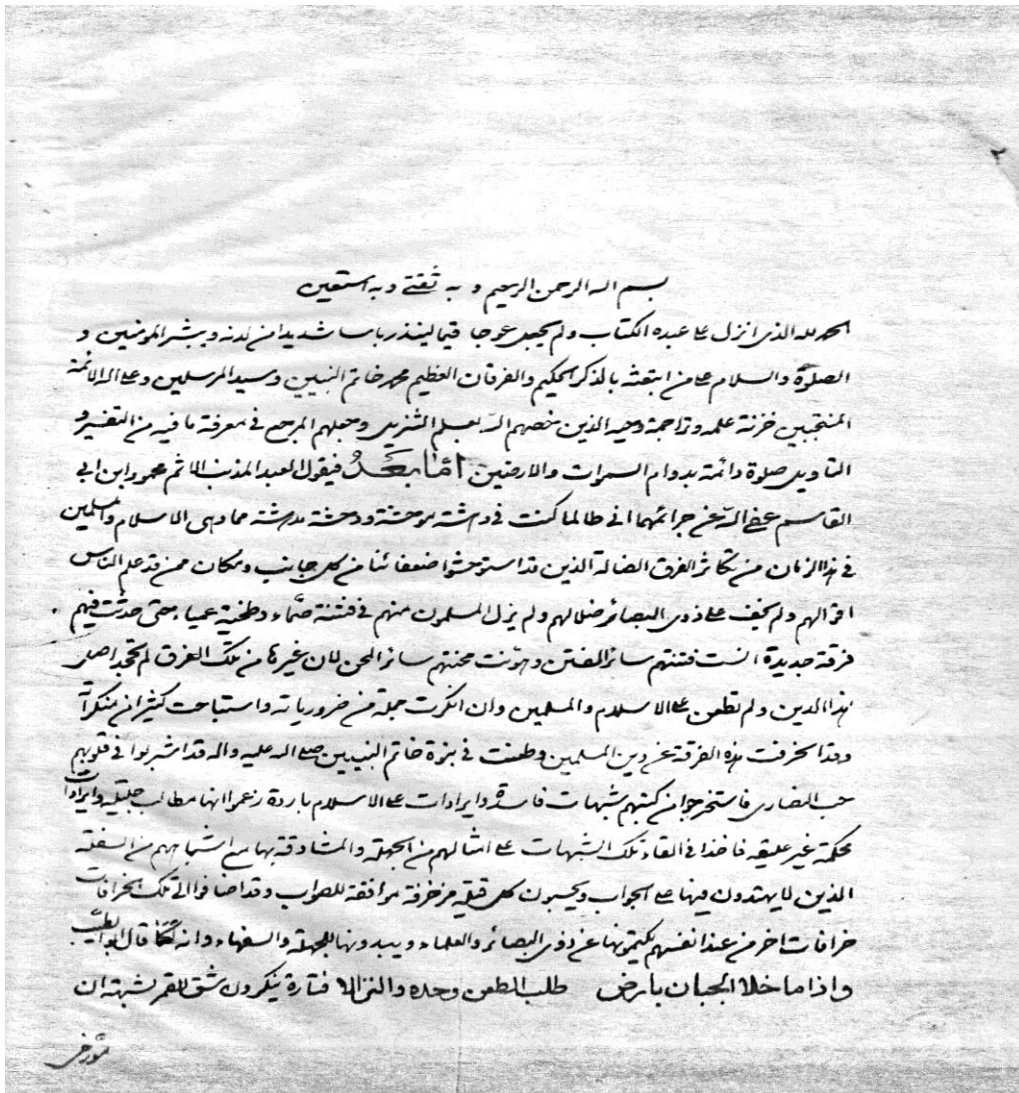
الحاج الملا خلیل الباکوئی ببلده ری فی شهر جمادی الاول من شهر سنه ١٣١٨ الف و ثلثمائة و ثامن عشر

من الهجرة النبوية على مهاجرها الف. سلام و تحية حامدا لله تعالى مصلياً على محمد و اله الطاهرين.

مشخصات ظاهری نسخه: خط: نستعلیق. ٨٦ برگ، ١٩ سطر؛ ٢١×١٦/٥ س.م. نوع و

تزیینات جلد: تیماج قرمز.

- این نسخه، همان نسخه عکسی یا خطی کتابخانه شخصی رضا استادی است (نک. استادی، ۱۳۵۴: ۳۰) که اکنون در کتابخانه آیت الله مرعشی است.
منبع: ملاحظه عکس نسخه؛ فهرست صد و شصت نسخه از یک کتابخانه شخصی؛
فهرست نسخه های خطی کتابخانه آیه الله نجفی مرعشی، ج ۱۹.



۱۷۰
و غیره لا قرض هذا المذکور کلف با مخالف ظاهر اجماع المسلمین و ضرورت المذهب بوالدین فان لامرته
عندهم ان هذا القرآن الموجود بین الدفتین با جمیع کلام الله تعالی لا یسکون فی تدریقه عن سببهم کمالا
یسکون فی تدریقه الصلوة الخمس و صوم شهر رمضان و سایر ضروریات الدین عنه ثم ولا یمکن رفع
الدعوی مشرذلتک با جاور و ردت مع شیوع الکذب علیهم و در س الکذابتین روایات کثیره فی کتب
ثقة اصحابهم کما در سوا فیها اخبار ایچمه و العلو و غیر ذلک عن منافات المذهب بوالدین و با حجة مفاسد
هذا القول کثیره جدا و قد اوصفت لک بحمد الله تعالی فانه من اصله بالامر بید علیه ولیکن هذا
آخر ما قرناه لسئد الله تعالی ان یشب ما کتبناه فی دیوان الصالحات و یجوبه عما کتبته اکفظة فی صحیف
السینات انه و لا آخیرات **وقد فرغ** منه مؤلفه الراجی عفو ربه الکریم سب عشر جماد الاول
من السنة الثانیة من المائتة الرابعة بعد الالف من الهجرة النبویة علیها جرة الف الف سلام تحية
عادل مصليا واحمد لله رب العالمین

وقد فرغ مستتم الراجی عفو ربه الکریم المدعو بمجد الملقب بالقاسم بن المرحوم
المعروف بالطح المملک خلیل الباکو فی بلدة تری فی شهر جمادى الاول من شهر ۳۱۸ الف و ثمانتة
و نام عشر من الهجرة النبویة علیها جرة الف الف سلام تحية
مسلم و تحية عادل مصليا
عادل و الله
الطح

فهرس ما استملت عليه هذه الرسالة
١٨١
تتم هذه الرسالة على مقدمة وثلاث مقالات وخاتمة المقدمة في ذكر وجوه التوفيق والتغيير التي نفع
المحدث المعاصر مصنفه فصل الخطاب بوقوعها في القرآن وما يتعلق بها من مقالاته كما يعرف بحمد الكلام معه
والمقالة الأولى في ذكر لفظ علما في التوفيق وتقرع عباراتهم في ذلك وفيها التنبؤ على خطأ المحدث
المذكور في نسبة القول بالتوفيق الجماع لا تفيد عبارتهم ذلك ببر ما أفا وبعضها لغير التوفيق والمقالة
الثانية في تحقيق المسئلة بحسب مقتضى الأدلة وقد ذكر فيها معان من الكلام الأدل في التوفيق
المنافية لقرآن المتبادل الموهوب وبين الدقيقين من النبي كما كتبت الكلمات وزيادة بعض الحروف
ونقصه وذكر فيها مضافا لقيام البرهان على تواتر القرآن ان ذلك لم ينه يدب سببها في غير التوفيق
قد سبقه إجماع المسلمين على خلافهم ومخالفهم بركات مزودة الدين على خلافهم وان النزاع في التوفيق إنما
هو في النقائص الترتيبية في مسقطها تواتر القرآن الموهوب وقد ذكر في ذلك شواهد من كلامهم حتى في عبارتهم
القائلين بالتوفيق الثاني في التوفيق الغير المنافي لذلك كالنقص وترتيب السور والآر ومحدودها وألفها
منها النقص فان اللاحق فيها عداه من الترتيب واكمدود هتيم وعودة دليل النقص الاجبار الكثرة الدالة على قوله
في القرآن عمرا وحضرة الترتيب لا معارضتها بغير من المهمات للمعارضات الترتيبية من غير أن يكون لها
الواجب الاخذ بنظرها الا انها مرتبة ببدء من المهمات والمعارضات وقد اذنبنا ما في الرسالة الى
اشي عشر موهبا ومعارضها عداما تقمته مطا والكلمات في غير من اشهر العلماء على الاخذ بنظرها و
اولها بتا ويوت اقربها ما احتار ريشينا في كشف الخطأ والمقالة الثالثة في تعريف المادلة الترتيبية بها
المحدث المذكور لاثبات التوفيق وقد اناها الى اشر عشر دليلا وانما تتم في بيان معاسد القول بالتوفيق على ما احتار
المحدث المذكور من تعميم تبديل الكلمات وزيادةها وشتا عهده المعاسد بما كلف في بطلان القول به ترتب
تمت المعاسد عليه واحمد لله رب العالمين

– تهران؛ کتابخانه مجلس شورای اسلامی (نسخه ۲)

کد دستیابی به کتاب: ۱۲۰۵۲

کاتب نسخه: نامشخص.

تاریخ کتابت: نامشخص (فهرست‌نویس نوشته: بعد از ۱۳۱۰ ق؛ ولی با توجه به فهرست نسخه مرعشی به تاریخ ۱۳۱۸ ق، احتمالاً تاریخ کتابت این نسخه، پس از ۱۳۱۸ ق. است).
محل کتابت: نامشخص.

آغاز نسخه: فهرس ما اشتملت علیه هذه الرسالة. تشتمل هذه الرسالة على مقدمة و ثلث مقالات و خاتمه و المقدمه فى ذكر وجوه التحريف و التغيير التى زعم المحدث المعاصر مصنف فصل الخطاب و ...

آغاز متن اصلی کتاب: بسمله، الحمد لله الذى انزل على عبده الكتاب و لم يجعل له عوجاً
قيماً لينذر بأساً شديداً من لدنه و يبشر المؤمنين و الصلوة و السلم على من اتبعه بالذكر الحكيم ...
انجام نسخه: ... ما كتبناه فى ديوان الصالحات و يحو به عنا ما كتبته الحفظة فى صحايف
السيئات انه ولى الخيرات.

انجامه: و قد فرغ منه مؤلفه الراجى عفوره الكريم، سابع عشر جمادى الاخرة من السنة الثانية
من المائة الرابعة بعد الالف من الهجرة النبوية على مهاجرها الف الف سلام و تحية حامدا مصلياً و
الحمد لله رب العالمين.

مشخصات ظاهرى نسخه: خط: نسخ، ۱۵۳ برگ، ۱۵ سطر سطر؛ ۱۷×۵/۱۰ س. م. نوع و
تزیینات جلد: تیماج، قهوه‌ای، ضربی، مجدول. عناوین و نشانی‌ها شنگرف؛ در پشت جلد
اول نام حاجی میرزا کاظم مشهور به منجم تاجر کاظمینی؛ ثبت: ۷۸۶۶۳.
– با توجه به فهرست اضافه‌شده به اصل کتاب در ابتدای نسخه، ظاهراً از روی نسخه
مرعشی به تاریخ ۱۳۱۸ ق. استنساخ شده است.

- در حاشیه انتهای کتاب به صورت مورب نوشته شده است: «مقدار رساله چهار هزار و هفتصد و بیس تقریباً و در سیصد و دو صفحه».

منبع: فهرست مجلس شورا ۳۵/۶۴.



هذه رسالة كشف لانبياء تجريف كتاب رب الارباب
وبسم الله الرحمن الرحيم نستعين
الحمد لله الذي نزل على عبده الكتاب لم يجعل له عوجا فيما بيننا
باسا شديدا من لدنه وببشر المؤمنين والصلوة والسلام على من
اتبعه بالذكر الحكيم والفقار العظيم محمد خاتم النبيين وسيد
المسليين وعلى اله الائمة المنتجبين خزنه علمه وراجحه وحيه الذين
خصهم الله بعلم التنزيل وجعلهم ^{محققين} مرجع معرفه ما فيهن ^{لتفسير}
والتاويل والصلوة دائمة دءا والسماوات والارضين اما بعد فيقول
العبد المذنب الائم محقق بن ابي القاسم عفي الله وجهه انهما اني طاب
ما كنت في دهشة حوشه وحوشه مدهشة مما دهي الاسلام ^{المسلمين}
في هذا الزمان من تكاثر الفرق الضالة الذين قد احتوا
ضعفا منا من كل جانب ومكان ممن قد علم الناموس العم
ولم يخف على ذكركم ارضنا الهولم ازل المسكن منهم في
صماء وطخية عميا حتى حدثت فيهم فرقة جديدة انتم ^{فتنتهم}
ملا

الکذابين و ايات كثيرة في كتب قضاة اصحابهم كما دستوا فيها اخبار الجبر
والغلو وغير ذلك من منافع المذهب والدين وبالجملة هذا القول ^{تفاسد مع}
كثير جدا وقد اوضح لك بجملة فاشان اصلها الاخر يد علي وليكن
هذا اخر ما مرناه نسال الله نعم ان يثبت ما كتبنا في درون الصالحين
و بمجاوبه عما كتبنا لحفظه في صحاح السنه ^{تقص} الله ولي الخيرات
وقد فرغ منه مؤلف الراجع غفر الله له والكره من العشر
جمادى الاخرة من سنة الثانية من المائة
الرابعة بعد الف من الهجرة النبوية
على صاحبها الف الف سلام و تحية
حامد ومصليا و صلوات
رب العالمين

قد اراد السيد محمد باقر
در جملة دروسه

۲-۲ نسخه‌های چاپی کتاب

کشف‌الارتیاب تاکنون به صورت کتاب مستقل منتشر نشده است؛ ولی چندبار به صورت چاپ حروفی در مجله، پایان‌نامه و مجموعه مقالات و نیز ضمیمه کتاب *فصل الخطاب* ارائه و منتشر شده است؛ که عبارت‌اند از:

- ۱- جودی، امیر (۱۳۷۰)، ترجمه و تحقیق و تعلیق کتاب «کشف‌الارتیاب عن تحریف کتاب ربّ الارباب (بخش اول)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه تهران. در این پایان‌نامه کتاب کشف‌الارتیاب عن تحریف کتاب ربّ الارباب با استفاده از نسخه خطی به‌جامانده از آن بررسی شده و بخش اول آن ترجمه و تحقیق شده است.
- ۲- ساروی، پریچهر (۱۳۷۰)، ترجمه و تحقیق کتاب «کشف‌الارتیاب عن تحریف کتاب ربّ الارباب (بخش دوم)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه تهران. در این پایان‌نامه نیز بخش دوم کتاب کشف‌الارتیاب، ترجمه و بررسی شده و فهرس سودمندی برای آن ترتیب داده شده است.
- ۳- شمس‌اللهی، محمد (۱۳۹۰)، تصحیح کشف‌الارتیاب عن تحریف کتاب ربّ الارباب، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پردیس فارابی تهران، استاد راهنما: فتح‌الله نجارزادگان، شماره ثبت کتابخانه پردیس قم ۵۲۵۱۴. طبق متن پیشگفتار عنوان بعد، این تصحیح شمس‌اللهی، مختص مقدمه و مقاله اول کتاب محمود بن ابی‌قاسم است.
- ۴- معرب‌تهرانی، محمود بن ابی‌القاسم (۱۳۹۳)، کشف‌الارتیاب عن تحریف کتاب ربّ الارباب، تصحیح فتح‌الله نجارزادگان، مجله آفاق نور، شماره ۲۰. این چاپ، تکمیل همان تصحیح بالاست.
- ۵- معرب‌تهرانی، محمود بن ابی‌القاسم (۱۳۹۷)، تحقیق و تصحیح کتاب کشف‌الارتیاب فی تحریف کتاب ربّ الارباب، (در مجموعه تراث الشیعه القرآنی، ج ۸)، تصحیح فتح‌الله

نجارزادگان، قم: مکتبۃ التفسیر و علوم القرآن. این تصحیح همان مقاله‌طور قبلی است که براساس دو نسخه خطی (کتابخانه مرعشی، ۱۳۱۸ ق؛ و کتابخانه مجلس، بی‌تا) صورت گرفته است و دوباره در این مجموعه مقالات منتشر شده است.

۶- - معرب تهرانی، محمود (۱۴۴۳ ق)، کشف الارتیاب عن تحریف کتاب رب الارباب؛ و معه أجویة خاتم المحدثین بالفارسیة (۱ مجلد)، حقه و علق علیه: السید محمد جواد الحسینی، [ظاهراً چاپ] لبنان: دارالنون.

این تصحیح به ضمیمه چاپ فصل الخطاب و رساله جوابیه محدث نوری منتشر شده است که متن کشف الارتیاب در آن، براساس دو نسخه خطی مجلس شورای اسلامی و تصحیح دکتر نجارزادگان فراهم شده و ظاهراً بدون تحقیق منتشر شده است.

۳- محتوای کتاب کشف الارتیاب

کتاب دارای یک مقدمه سه فصل و یک خاتمه است. توضیح اجمالی محتوای کتاب کشف الارتیاب چنین است:

۱-۳ المقدمة

فی وجوه التحریف و التعلیل. مؤلف، یعنی محمود بن قاسم، در این مقدمه، عقیده محدث نوری را درباره انواع تحریف توضیح داده و سپس، به پیامدهای ناگوار این سخنان اشاره کرده و گفته است: «لازمة پذیرش این سخنان، اعتقاد به عدم تواتر قرآن است. وقتی تواتر قرآن که بزرگ‌ترین معجزه پیامبر^(ص) است، منتفی اعلام شود، مسلماً هیچ معجزه‌ای از آن رسول^(ص) قابل اثبات نخواهد بود».

۲-۲ المقالة الأولى

فی اقوال علمائنا فی التحریف. در این فصل، نویسنده به تبیین اقوال و سخنان علمای

شیعه درباره تحریف‌ناپذیری قرآن و حتی اجماع علمای شیعه به‌طور مطلق به این مطلب پرداخته و سپس، اسامی و دلایل علمایی را در این باره ذکر و استناد کرده است. او نتیجه می‌گیرد: «مقصود احادیثی که بر تحریف و تبدیل قرآن دلالت دارند، تحریف معنوی است؛ و اگر قرآن تحریف لفظی شده بود، روایاتی متواتر در خصوص آن به دست ما می‌رسید». طهرانی در پایان، سخنان و دلایل کسانی را که محدث نوری آنها را معتقد به تحریف دانسته است، متفاوت و مخدوش دانسته است.

۳-۳ المقالة الثانية

فی تحقیق المسألة حسبما تقتضيه الأدلة. مؤلف در ابتدا این فصل، به پاسخ به وقوع تحریفاتی پرداخته است که با قطعیت الفاظ قرآن رایج و موجود بین دو جلد منافات دارد. سپس، به پاسخ به وقوع تحریفاتی پرداخته است که منافاتی با قطعیت الفاظ رایج قرآن ندارند؛ از قبیل بعضی افتادگی‌های غیرقرآنی و نیز اختلاف در ترتیب آیات و سوره‌ها.

وی با ارائه دوازده دلیل، روایات تحریف به نقصان را رد کرده است؛ دلایل عبارت‌اند از: ۱- تقابل پذیرش جمع‌آوری‌نشده بخش‌هایی از قرآن و لزوم نفی تواتر بخشی دیگر از قرآن، با کثرت انگیزه‌ها برای نقل قرآن و تواتر همه آن.

۲- وجود انگیزه‌هایی مشابه برای نقل متواتر همه قرآن، و بخش‌هایی که ادعای ضایع شدن آن رفته است؛ به دلیل عدم برتری بخش‌هایی از قرآن بر بخش‌های دیگر آن.

۳- منجر شدن پذیرش تحریف به نقیصه، به کوتاهی رسول خدا (ص) در انجام وظیفه و اشاعه و القای بخشی از قرآن و ناصواب بودن این سخن.

۴- برابری تعداد احادیث مدعی تحریف قرآن به صورت افزایش، به صورت تقریبی با تعداد احادیث مدعی تحریف قرآن در قالب کاستی و اعراض و تأویل بالاتفاق تمامی علما درباره دسته اول و لزوماً اعراض و تأویل درباره دسته دوم؛ به دلیل وحدت این دو مجموعه و نادرستی و بی‌معنایی تفکیک شیء واحد.

- ۵- تعارض مفاد و مضامین روایات مدعی تحریف، با اعجاز ادبی و بلاغی قرآن.
- ۶- مشابهت نداشتن مضامین سوره‌های مدعی نقصان با سبک و اسلوب قرآن.
- ۷- مخالفت مفاد و مضامین روایات مدعی تحریف به نقیصه با سیره و عملکرد رسول خدا (ص).
- ۸- تعطیل شدن شریعت اسلامی، در صورت پذیرش ادعای تحریف به نقیصه؛ درباره مواردی غیر صحیح، از قبیل حذف بخش‌هایی از آیات احکام و غیره.
- ۹- نبود ادعای وجود نام علی (ع) در قرآن در احتجاجات موجود علی (ع) با صحابه.
- ۱۰- تعارض مفاد روایات تحریف، با آیه «انا نحن نزلنا الذكر و انا له لحافظون».
- ۱۱- تعارض محتوای روایات تحریف، با آیه ۴۱ سوره فصلت.
- ۱۲- تعارض محتوای روایات تحریف، با لزوم عرضه احادیث بر قرآن و لزوم کسب اعتبار ابتدایی حدیث از قرآن و مواجهه با تکلیف مالایطاق.

۳-۴ المقالة الثالثة

فی تزییف الدالة التي تمسك بها المحدث النوری. فصل سوم کتاب، نقد دوازده دلیل محدث نوری در فصل الخطاب در اثبات تحریف قرآن است؛ در این فصل، مؤلف به این شبهات پاسخ داده است:

الأول: تشابه الأمم: أن اليهود والنصارى حرّفوا، فلا بدّ و أن يقع التغيير والتحريف عندنا. الثاني: أن كیفیة جمع القرآن مستلزم عادة لوقوع التغيير. الثالث: منسوخ التلاوة. الرابع: مصحف الإمام عليّ ومخالفته لهذا القرآن. الخامس: مصحف ابن مسعود وأبيّ بن كعب وأنّ فيهما زيادة على المصحف المتداول. السادس: أنّ عثمان لمّا جمع المصحف أحرّق أو مزّق سائر المصاحف، ممّا لزم سقوط بعض الكلمات بل الآيات. السابع: الأخبار الكثيرة التي روتها العامة الدالة صريحاً على وقوع التغيير والنقصان. الثامن: أنّ الله ذكر أسامي أوصياء النبيّ (ص) و فاطمة الزهراء (س) أو ذكر بعض شمائلهم و صفاتهم في الكتب السالفة، فكيف يحتمل أن يهمل ذكرهم في الكتاب المهيمن

علی جمیع الکتب. التاسع: اختلاف القراءات، بحيث أن القرآن نزل بنحو واحد، فجميع ما ذكره من القراءات غير الواحد المجهول الذي نزل به الوحي باطل، وحيثذ فالمصحف الموجود لا يطابق القرآن المنزل. العاشر: الأخبار العامة التي تنصّ على تحريف القرآن من جهة السقط والنقص.

۳-۵ الخاتمة

فی مفسد القول بالتحريف. مؤلف در خاتمه کتاب، به پی آمدهای فاسد و مضر اعتقاد به تحريف قرآن پرداخته و فرق تحريف از دید نوری را با بقیه علمای شیعه بررسی کرده و با تکیه بر مباحث اصولی شیخ انصاری، راه حلی را عرضه کرده است (نک. احمدی، ۱۳۹۰: ۱۳۷-۱۲۹؛ معرب تهرانی، ۱۳۹۳: مقدمه).

۴- اطلاعات موجود ما از کتاب، در منابع فهرستی و تراجمی

تاریخ تألیف کتاب کشف الارتیاب، ۱۳۰۲ قمری است؛ اولین منبع فهرستی و تراجمی که به آن نام اشاره کرده، کتاب *اعیان الشیعه* است. صاحب *اعیان الشیعه* (م. ۱۳۷۱ ق.) در شماره ۱۰۸۶۷ نوشته است:

«المیرزا محمود بن أبی القاسم الطهرانی المعاصر؛ له کتاب کشف الارتیاب عن تحريف کتاب رب الأرباب یرد به علی کتاب فصل الخطاب لمیرزا حسین النوری منه نسخة مخطوطة عند الشیخ عبد المولی الطریحی؛ فرع منه مؤلفه ۱۷ جمادی الآخرة من السنة الثانية من المائة الرابعة بعد الألف هجرية و علیه تقریظ للسید أبوطالب الموسوی الزنجانی (نک. امین عاملی، ۱۴۰۳ ق: ۱۰/۱۰۱). با جست و جویی که در منابع مختلف انجام شد، روشن شد که آقابزرگ تهرانی تنها کسی است که با تفصیل بیشتر به نام کتاب و شرح حال مؤلف و نیز علت نگارش جوائیه محدث نوری پرداخته است؛ جدای از *اعیان الشیعه*، دیگران نیز اگر مطلبی در این باره دارند، به نقل از آثار آقابزرگ تهرانی آورده‌اند؛ بنابراین، مطالب آقابزرگ را به تمامی نقل می‌کنیم.

آقابزرگ تهرانی، در چهار جای *الذریعة* و یک جای *تقیاء البش*، به کتاب *کشف الارتیاب* و مؤلف آن، با برخی مطالب مکرر، پرداخته یا اشاره کرده است؛ این عناوین و متن آنها

عبارت اند از:

۴-۱ الفصل الخطاب في تحريف الكتاب

«لشيخنا الحاج ميرزا حسين النوري الطبرستاني ابن المولى محمد تقي بن الميرزا علي محمد النوري المولود في يالو من قرى نور طبرستان في ١٢٥٤ المتوفى في العشرين بعد الألف و الثلاثمائة، ليلة الأربعاء ثلاث بقين من جمادى الأخرى، و دفن في يومه بالأيوان الثالث عن يمين الداخل من باب القبلة إلى الصحن المرتضوي. أثبت فيه عدم التحريف بالزيادة و التغيير و التبديل و غيرها، مما تحقق و وقع في غير القرآن، و لو بكلمة واحدة، لا نعلم مكانها، و اختار في خصوص ما عدا آيات الأحكام و وقوع تنقيص عن الجامعين، بحيث لا نعلم عين المنقوص المذخور عند اهله، بل يعلم إجمالاً من الاخبار التي ذكرها في الكتاب مفصلاً، ثبوت النقص فقط.

ورد عليه الشيخ محمود الطهراني الشهير بالمعرب، برسالة سماها كشف الارتياب عن تحريف الكتاب فلما بلغ ذلك الشيخ النوري كتب رسالة فارسية مفردة في الجواب عن شبهات كشف الارتياب كما مر في ١٠: ٢٢٠

و كان ذلك بعد طبع فصل الخطاب و نشره فكان شيخنا يقول: لا أرضى عمن يطالع فصل الخطاب و يترك النظر إلى تلك الرسالة.

ذكر في أول الرسالة الجوابية ما معناه: أن الاعتراض مبني على المغالطة في لفظ التحريف، فإنه ليس مرادي من التحريف التغيير و التبديل، بل خصوص الإسقاط لبعض المنزل المحفوظ عند اهله، و ليس مرادي من الكتاب القرآن الموجود بين الدفتين، فإنه باق على الحالة التي وضع بين الدفتين في عصر عثمان، لم يلحقه زيادة و لا نقصان، بل المراد الكتاب الإلهي المنزل.

و سمعت عنه شفاهاً يقول: إنني أثبت في هذا الكتاب أن هذا الموجود المجموع بين الدفتين كذلك باق على ما كان عليه في أول جمعه كذلك في عصر عثمان، و لم يطرء عليه تغيير و تبديل كما وقع على سائر الكتب السماوية، فكان حرياً بأن يسمى فصل الخطاب في عدم تحريف الكتاب فتسميته بهذا الاسم الذي يحمله الناس على خلاف مرادي، خطأً في التسمية، لكنني لم أرد ما يحملوه عليه، بل مرادي إسقاط بعض الوحي المنزل الإلهي، و إن شئت قلت اسمه القول الفاصل

في إسقاط بعض الوحي النازل.

و طبع فصل الخطاب بطهران. و قد فرغ منه في النجف لليلتين بقيتا من جمادى الآخرة في ١٢٩٢. أوله: [الحمد لله الذي أنزل على عبده الكتاب ...] و مرت الرسالة الجوابية في حرف الراء بعنوان الرد على كشف الارتباب...» (تهراني، ١٤٠٨ ق: ٢٣١/١٦).

٤-٢ كشف الارتباب في عدم تحريف الكتاب

«للفقيه الشيخ محمود بن أبي القاسم الشهير بالمعرب الطهراني، المتوفى أوائل العشر الثاني بعد الثلاثمائة كتبه ردا على فصل الخطاب لشيخنا النوري، فلما عرض على الشيخ النوري كتب رسالة مفردة في الجواب عن شبهاته، و كان يوصي كل من كان عنده نسخه من فصل الخطاب بضم هذه الرسالة إليها، حيث إنها بمنزلة المتتمات له.

أول كشف الارتباب: [الحمد لله الذي أنزل على عبده الكتاب ...] و فرغ منه في السابع عشر من جمادى الآخرة في ١٣٠٢ يقرب من أربعة آلاف بيت، مرتبا على مقدمه و ثلاث مقالات و خاتمة. و أول إشكالاته أنه إذا ثبت تحريف القرآن يقول اليهود فلا فرق بين كتابنا و كتابكم في عدم الاعتبار، فأجاب في الرسالة بأن هذا مغالطة لفظية حيث إن المراد من التحريف الواقع في الكتاب، غير ما حملت ظاهرا للفظ، من التغيير و التنقيص المحقق جميعها في كتب اليهود و غيرهم، بل المراد من تحريف الكتاب هو خصوص التنقيص عنه فقط، و في غير الأحكام فقط، و أما الزيادة فالإجماع المحصل من جميع فرق المسلمين و الاتفاق العام على أنه: ما زيد في القرآن و لو بمقدار أقصر آية، و عدم زيادة كلمة واحدة في القرآن لا نعلم مكانها.» (تهراني، ١٤٠٨ ق: ٩/١٨).

٤-٣ الرد على كشف الارتباب

«الذي ألفه الشيخ محمود المعرب الطهراني و أورد فيه شبهاته على فصل الخطاب تأليف شيخنا النوري الميرزا حسين بن المولى محمد تقي الطبري المتوفى ليلة الأربعاء لثلاث بقين من جمادى الآخرة عشرين و ثلاثمائة و ألف، و هو مؤلف الرد أيضا و كان يوصي كل من عنده فصل الخطاب أن يضم إليه هذه الرسالة التي هي في دفع الشبهات التي أوردها الشيخ محمود عليه، و هي

فارسیه لم تطبع بعد رأیت نسخه منه بخط المولى علي محمد النجف آبادي ألحقها بنسخة فصل الخطاب المطبوع التي كانت عنده و الموجودة في مكتبة (التستريه) اليوم أوله [الحمد لله رب] و ألفه في المحرم (۱۳۰۳) و استنسخه المولى المذكور (۱۳۰۴)

أول شبهات كشف الارتياح هو أنه إذا ثبت تحريف القرآن فليهود أن يقولوا إذا لا فرق بين كتابنا و كتابكم في عدم الاعتبار فأجابه شيخنا النوري بأن هذا الكلام مغالطة لفظية حيث إن المراد بالتحريف الواقع في الكتاب غير ما حملت عليه ظاهراً للفظ أعنى التغيير و التبديل و الزيادة و التنقيص و غيرها المحقق و الثابت جميعها في كتب اليهود و غيرهم، بل المراد من التحريف خصوص التنقيص فقط إجمالاً، في غير آيات الأحكام جزماً و أما الزيادة فالإجماع المحقق الثابت من جميع فرق المسلمين و الاتفاق العام من كل منتحل للإسلام على عدم زيادة كلام واحد في القرآن المجموع فيما بين هاتين الدفتين و لو بمقدار أقصر آية يصدق عليه كلام فصيح بل الإجماع و الاتفاق من جميع أهل القبلة على عدم زيادة كلمة واحدة في جميع القرآن بحيث لا نعرف مكانها فأين التنقيص الإجمالي المراد لنا عما حملت عليه ظاهر اللفظ، و هل هذا الا مغالطة لفظية انتهى ملخص الجواب عن الشبهة الأولى (أقول) و إن أبى أحد الا حمل التحريف على مجموع هذه الأمور فليس الكتاب فصل الخطاب في عدم تحريف الكتاب لأنه يثبت فيه من أوله إلى آخره عدم وقوع التحريف بهذا المعنى فيه أبداً» (تهراني، ۱۴۰۸ ق: ۲۲۰/۱۰).

٤-٤ رسالة في رد شبهات كشف الارتياح

«التي أوردتها على فصل الخطاب في تحريف الكتاب لشيخنا النوري مرت بعنوان رد كشف الارتياح. و قد كتبت أنا في تأييد النوري النقد اللطيف في نفى التحريف. رددت فيه الاتهامات التي أوردتها مؤلف كشف الارتياح و غيره.» (تهراني، ۱۴۰۸ ق: ۱۸۸/۱۱).

٤-٥ الشيخ محمود المعرب الطهراني

[متوفى] بعد ۱۳۱۰ق؛ هو الشيخ محمود بن أبي القاسم الطهراني، المعروف بالمعرب، عالم فقيه، و رع تقي جليل، كان في العتبات سنين حتى كمل و برع، فرجع إلى طهران و صار مرجعاً

للاُمور و وُلّاه الحاجّ أبو الحسن المعمارباشي، مدرسة الجديدة التي بناها بقرب إمامزاده يحيى قريبة من دار الشيخ. فكان يجري بيده وظائف الطّلاب ويدرّس لهم في المدرسة ويقوم الجماعة بمسجدها إلى أن توفّي أوائل العشر الثاني بعد ثلاثمائة.

وله كشف الارتباب في عدم تحريف الكتاب (الذريعة: ج ۱۸، ص ۹، رقم ۴۲۱) فيه إشكالات على فصل الخطاب (الذريعة: ج ۱۶، ص ۲۳۱، رقم ۹۱۱) تأليف شيخنا العلامة النوري. ولمّا بلغه الكتاب كتب في جواب إشكالاته رسالة مستقلاً (الذريعة: ج ۱۰، ص ۲۲۰، رقم ۶۴۱). ولمّا كان فصل الخطاب مطبوعاً ونسخها منتشرة، كان يوصي شيخنا العلامة كلّ من كان عنده نسخة منه أن يضمّ إليه تلك الرسالة؛ لأنّها بمنزلة التكملة له (تهراني، ۱۴۰۴ ق: ۳۰۵/۵).

۵- نام مؤلف و شرح حال وی

منابع متأخر که اشاراتی به محمود بن ابی القاسم و کتاب وی داشته‌اند، روشن و بدیهی گرفته‌اند که نام مؤلفِ *کشف الارتباب*، «معرب طهرانی» است؛ و شرح حال‌های مخدوش و متناقضی از وی ارائه داده‌اند. بر همین اساس، در نوشته حاضر، به تفکیک، به نام مؤلف کتاب *کشف الارتباب* و شرح حال وی می‌پردازیم.

۱-۵ نام مؤلف کتاب *کشف الارتباب*

نام مؤلف را حداقل از دو منظر نسخه‌های خطی و منابع دیگر می‌توان بررسی کرد:

۱-۱-۵ نام مؤلف در نسخه‌های خطی کتاب

نام و توصیفات مؤلف کتاب *کشف الارتباب* در متن اصلی نسخه‌های خطی و حواشی نسخه‌ها، متفاوت آمده است:

الف- نام مؤلف در متن اصلی نسخه‌ها

نام مؤلف در متن نسخه‌های خطی کتاب، اینگونه آمده است: «... أمّا بعد، فيقول العبد المذنب الأثم، محمود بن أبي القاسم عفى الله عن جرائمهما...» (نک. معرب تهرانی، بی‌تا: ۱؛

همان، ۱۳۱۸ ق: ۱؛ همان، بعد ۱۳۱۸ ق: ۱).

در هیچ‌جای دیگر متن نسخه‌های خطی این کتاب، به نام مؤلف اشاره نشده است و از متن نسخه‌ها مشخص نیست که این محمود بن ابی‌القاسم کیست و چه مشخصه و توصیفاتی دارد.

ب- نام مؤلف در حاشیه نسخه‌های خطی

در صفحه بدرقه نسخه مجلس (شماره ۵۴۹۳)، با خط متفاوت از متن، جمله از *اعیان‌الشیعه* (نک. امین عاملی، ۱۴۰۳ ق: ۱۰/۱۰۱) نقل شده که در آن نام مؤلف به‌نقل از ایان اینگونه درج شده است: «المیرزا محمود بن ابی‌القاسم الطهرانی».

در حاشیه صفحه اول اصلی همین نسخه، با خط متفاوت از متن و رنگ روشن‌تر که ظاهراً تاریخ نگارش آن پس از وفات حاجی نوری (م. ۱۳۲۰ ق) است، نام مؤلف «الشیخ محمود الطهرانی الدامغانی المعروف بمعرب» نوشته شده است (نک. معرب‌تهرانی، بی‌تا: برگ ۱).

۵-۱-۲ نام مؤلف از نگاه دیگران

نام و توصیفات مؤلف کتاب *کشف‌الارتیاب*، در مواضع مختلف، گوناگون و گاهی به‌اشتباه درج شده است. برای دقت بیشتر، هرکدام از اینها را در دسته‌بندی‌های زیر مطرح می‌کنیم:

الف- نام مؤلف در *اعیان‌الشیعه*

همانطور که پیشتر اشاره شد، سید محسن امین (م. ۱۳۷۱ ق.) صاحب *اعیان‌الشیعه*، نام مؤلف کتاب *کشف‌الارتیاب* را «المیرزا محمود بن ابی‌القاسم الطهرانی المعاصر» دانسته است (نک. امین عاملی، ۱۴۰۳ ق: ۱۰/۱۰۱).

ب- نام مؤلف در *الذریعه* و دیگر آثار آقابزرگ تهرانی

آقابزرگ تهرانی (م. ۱۳۸۹ ق.) در چند جای *الذریعه*، مؤلف کتاب *کشف‌الارتیاب* را اینگونه درج کرده است: «للفقیه الشیخ محمود بن ابی‌القاسم الشهیر بالمعرب الطهرانی،

المتوفى أوائل العشر الثاني بعد الثلاثمائة» (تهرانی، ۱۴۰۸ ق: ۹/۱۸)؛ «الشيخ محمود المعرب الطهرانی» (تهرانی، ۱۴۰۸ ق: ۲۲۰/۱۰)؛ الشيخ محمود الطهرانی الشهير بالمعرب (تهرانی، ۱۴۰۸ ق: ۲۳۱/۱۶).

در کتاب *تقباء البشر* نیز آمده است: «الشيخ محمود بن أبي القاسم الطهرانی، المعروف بالمعرب» (تهرانی، ۱۴۰۴ ق: ۳۰۵/۵).

ج- نام مؤلف در تصحیح دکتر نجارزادگان

آقای نجارزادگان در عنوان تصحیح کتاب، مؤلف را «الشيخ محمود بن أبي القاسم الطهرانی المعروف بالمعرب الطهرانی» درج کرده و در قسمت «ترجمه المؤلف المعرب الطهرانی» نوشته است: «قد تعرف المؤلف نفسه في مقدمة كتابه هذا بمحمود بن أبي القاسم علي بن نجف قلی الدماوندي» (نک. معرب تهرانی، ۱۳۹۳: ۳۲).

این ادعای ایشان درباره نام مؤلف در متن کتاب *كشف الارتباب* اشتباه است و در نسخه‌های خطی کتاب، نام مؤلف آنگونه نیامده است؛ این اشتباه دکتر نجارزادگان به خاطر خلط شرح حال دو شخصیت مجزا با هم است که در قسمت بعد، به آن خواهیم پرداخت.

۳-۱-۵ جمع‌بندی نام مؤلف

نام مؤلف بنا بر نسخه خطی کتاب، «محمود بن أبي القاسم» است و بنا بر منابع دیگر، «الميرزا محمود بن أبي القاسم الطهرانی»، «الشيخ محمود بن أبي القاسم الشهير بالمعرب الطهرانی»، «الشيخ محمود الطهرانی الشهير بالمعرب»، «الشيخ محمود الطهرانی الدماغانی المعروف بمعرب» و بنا بر اشتباه دکتر نجارزادگان، «محمود بن أبي القاسم علي بن نجف قلی الدماوندي» است.

بنابراین، قدر متیقن نام مؤلف، «محمود بن أبي القاسم الطهرانی» است.

۲-۵ شرح حال محمود بن ابی القاسم

با جست‌وجویی که انجام شد، شرح حالی از «محمود بن ابی‌القاسم الطهرانی» مؤلف کتاب *کشف‌الارتیاب*، یافت نشد؛ به‌جز چند سطر که در کتاب *تعباء‌البشر* آمده است (نک. تهرانی، ۱۴۰۴ ق: ۳۰۵/۵)؛ و به‌زودی به آن خواهیم پرداخت؛ اما پیش از آن، چند مطلب تأمل‌برانگیز است:

۵-۲-۱ اختلاط شناسایی و ترجمه محمود بن ابی‌القاسم

اگر با نام شیخ محمود طهرانی یا شیخ محمود معرب تهرانی در منابع جست‌وجو کنیم، جدای از محمود بن ابی‌القاسم که در *تعباء‌البشر* معرفی شده است، فرد دیگری نیز در کتاب‌های *الذریعه* و *تعباء‌البشر*، به نام «شیخ محمود معرب طهرانی» (نک. تهرانی، ۱۴۰۸ ق: ۳۷۹/۴) و نیز «شیخ محمود طهرانی» مطرح است (نک. تهرانی، ۱۴۰۴ ق: ۱۳۰۲/۲؛ تهرانی، ۱۳۶۵: ۱۶۴ رقم ۲۲۴ و ۱۹۳ رقم ۳۲۲)؛ که تفاوت این فرد با مؤلف *کشف‌الارتیاب*، در نام پدرشان است. به عبارت دیگر، آنچه اکنون پیش روی ماست، نام مشترکی با دو ترجمه است:

۱- شیخ محمود المعروف به معرب (م. ۱۳۵۲ ق) که فرزند علی دماوندی (م. ۱۳۰۴ ق.) است؛ و این پدر، عالمی شناخته‌شده است که شرح حالی در منابع دارد (نک. تهرانی، ۱۴۰۸ ق: ۳۷۹/۴؛ تهرانی، ۱۴۰۴ ق: ۱۳۰۲/۲؛ تهرانی، ۱۳۶۵: ۱۶۴ رقم ۲۲۴).

۲- شیخ محمود المعروف به معرب (م. ۱۳۱۲ ق.) که فرزند ابی‌القاسم است؛ این ابی‌القاسم به‌نوعی ناشناخته و مجهول‌الوصف است و شرح حالی در منابع ندارد؛ هرچند که در *تعباء‌البشر*، شخصی با عنوان «الشیخ مولی ابوالقاسم الدماندی» فرزند نجف‌قلی دماوندی معرفی شده است (نک. تهرانی، ۱۴۰۴ ق: ۷۷/۱) که البته به محمود بن قاسم ما و کتاب *کشف‌الارتیاب* ربطی ندارد.

در این میان، دو پژوهش جدید، که به مناسبت به کتاب *کشف‌الارتیاب* پرداخته‌اند، و شرح حال شیخ محمود تهرانی را به نقل از آثار آقابزرگ بیان کرده‌اند، ترجمه این دو شیخ محمود را به‌هم آمیخته‌اند (نک. استادی، ۱۳۹۶: ۱۳؛ معرب تهرانی، ۱۳۹۳: ۳۲).

البته دکتر نجارزادگان، نویسنده تصحیح کشف‌الارتیاب، با افزوده شرح حال ملا علی دماوندی و شخص دیگری با نام ملا ابوالقاسم دماوندی فرزند نجف‌قلی (نک. تهرانی، ۱۴۰۴ ق: ۷۷/۱)، این اختلاط در ترجمه شیخ محمود را بسیار پیچیده‌تر کرده است؛ به طوری که جدای از تحریف ترجمه وی، نسب مؤلف کتاب را نیز تغییر داده است و اشاره شد که نوشته است: «محمود بن ابی‌القاسم علی بن نجف قلی الدماوندی» (نک. معرب تهرانی، ۱۳۹۳: ۳۲).

برای دقت بیشتر در این درآمیختگی‌ها، متن شرح حال معرب تهرانی در این دو تحقیق را یادآور می‌شویم:

۲-۲-۵ شرح حال معرب تهرانی در آشنایی با تفاسیر

حاج شیخ رضا استادی دام‌عزه، مؤلف کتاب آشنایی با تفاسیر، در پاورقی کتاب خود برای شرح حال شیخ محمود نوشته است:

«مرحوم شیخ محمود معرب تهرانی، امام جماعت مسجد مدرسه میرزا ابوالحسن معمار، در محله امامزاده یحیای تهران بود؛ و در اواخر عمر، به نجف هجرت کرد. پدرش ابوالقاسم علی دماوندی بود که در زمان شیخ انصاری به نجف رفت و از شاگردان سید حسین کوهکمری و میرزای شیرازی، و یکی از معلمان اخلاق آن دوره حوزه‌های نجف و سامرا بوده است... و سید عزیز الله تهرانی، هم بحث و یار و مرید پدرش بوده است. نویسنده نمی‌داند که چرا به وی معرب گفته می‌شده است» (استادی، ۱۳۹۶: ۱۳).

در اینجا، ابوالقاسم علی دماوندی، پدر مؤلف کتاب کشف‌الارتیاب معرفی شده است که اشتباه است.

۳-۲-۵ شرح حال معرب تهرانی در تصحیح نجارزادگان

دکتر نجارزادگان در تصحیح خود از کتاب کشف‌الارتیاب، برای «ترجمه المؤلف المعرب الطهرانی» آورده است:

«قد تعرّف المؤلف نفسه في مقدّمة كتابه هذا بمحمود بن أبي القاسم عليّ بن نجف قلبي الدماوندي.

«جاء في ترجمته من نقباء البشر ج ٥، ص ٣٠٥:

«هو الشيخ محمود بن أبي القاسم الطهراني، المعروف بالمعرب، عالم فقيه، ورع تقيّ جليل، كان في العتبات سنين حتّى كمل وبرع، فرجع إلى طهران وصار مرجعاً للأموور وولاه الحاجّ أبو الحسن المعمارباشي، مدرسة الجديدة التي بناها بقرب إمامزاده يحيى قريبة من دار الشيخ. فكان يجري بيده وظائف الطلّاب ويدرس لهم في المدرسة ويقوم الجماعة بمسجدها إلى أن توفّي أوائل العشر الثاني بعد ثلاثمائة. وله كشف الارتياح في عدم تحريف الكتاب (الذريعة: ج ١٨، ص ٩، رقم ٤٢١) فيه إشكالات على فصل الخطاب (الذريعة: ج ١٦، ص ٢٣١، رقم ٩١١) تأليف شيخنا العلامة النوري. ولما بلغه الكتاب كتب في جواب إشكالاته رسالة مستقلاً (الذريعة: ج ١٠، ص ٢٢٠، رقم ٦٤١). ولما كان فصل الخطاب مطبوعاً ونسخها منتشرة، كان يوصي شيخنا العلامة كل من كان عنده نسخة منه أن يضمّ إليه تلك الرسالة؛ لأنّها بمنزلة التكملة له.

«وهكذا عرّف المؤلف نفسه بأنّه كان إمام مسجد الحاجّ أبي الحسن المعمار بطهران كما جاء في تقريره على كتاب مشكات أدب ناصري الذي كتبه سنة ١٣٠٥ كما في الذريعة ج ٢١، ص ٥٢.

«ووالده له ترجمة في نقباء البشر ج ١، ص ٧٧ وفيه:

«عالم جليل، تلمذ في النجف الأشرف على العلامة الميرزا حبيب الله الرشتي والأخلاق الشهير المولى حسين قلبي الهمداني والمولى لطف الله الاسكي والميرزا حسين الخليل الطهراني، تزوج أولاً بالعلوية ابنة السيّد الميرزا حسين الإصفهاني، وبعدها بابنة المولى عليّ محمّد الكتبي البهبهاني النجفي، ووالده وأخوه الحاجّ محمّد رحيم والحاجّ حبيب الله تجار أخيار في دماوند.

«ولوالده أيضاً ترجمة في الذريعة ج ٤، ص ٣٧٩، رقم ١٦٦١ وفيها:

«التقريرات للآخوند المولى عليّ الدماوندي نزيل سامراء، والمتوفّي بالكاظمية معالجاً في ٢٥/ذي الحجة/١٣٠٤، هاجر [من النجف] إلى سامراء في أوائل المهاجرين مستفيداً من بحث

سیدنا آیه الله الشیرازی، و کان مربیاً للطلّاب، ساعیاً فی تهذیب أخلاقهم بالمواعظ البالغة، و من المهذّبین من أنفاسه الشیخ حسن علی الطهرانی والسید عزیز الله الطهرانی الملازم له من النجف وقد زوجّه بأخته العلویّة، فرزق منها ولده الشیخ محمود المعروف بالمعربّ فی طهران المجاور أخیراً للنجف، فتوفّی بها حدود سنة ۱۳۵۲، وحضر بحث السید حسن الكوه كمری فی النجف سنین و كتب من تقريره تمام دورة الأصول.»

نجارزادگان نیز ترجمه چند نفر، اعم از پدر و پسر را که شباهت‌های اسمی داشته‌اند، مخلوط کرده است.

۲-۵- ۴ جمع‌بندی شرح حال محمود بن ابی‌القاسم

شیخ محمود تهرانی یا شیخ محمود معرب تهرانی، با دو ترجمه متفاوت در آثار آقابزرگ تهرانی مطرح شده‌اند که تنها یکی از آنها، مؤلف کتاب کشف‌الارتیاب است و ترجمه وی در *نقباء البشر*، در عنوان «شیخ محمود المعرب الطهرانی [متوفی] پس از ۱۳۱۰ ق.» چنین است: «وی شیخ محمود بن ابی‌القاسم طهرانی، معروف به معرب [تهرانی] است. عالم فقیه، ورع تقیّ جلیل که سال‌ها در العتبات بود تا اینکه درسش کامل شد و به تهران بازگشت و مرجع امور [دینی] گشت. او از طرف حاج ابوالحسن معمارباشی، متولی مدرسه جدید وی (که در جوار امامزاده یحیی، نزدیک دارالشیخ بنا کرده بود) شد. [شیخ محمود] به همت خود، کارهای طلاب را انجام می‌داد و جدای از تدریس، امام جماعت مسجد آن مدرسه نیز بود؛ تا اینکه در اوایل سال ۱۳۱۲ قمری درگذشت» (تهرانی، ۱۴۰۴ ق: ۳۰۵/۵).

در اینجا، یک نکته مهم است؛ سال ساخت و وقف مدرسه معمار، ۱۳۰۳ قمری است؛ بنابراین شیخ محمود معرب، در سال تألیف کتاب خود (در ۱۷ جمادی‌الثانی ۱۳۰۲ ق.) امام جماعت مسجد و مدرس این مدرسه معمارباشی نبوده است و سال‌های بعد در آنجا مشغول شده است؛ همانگونه که آقابزرگ در توضیح تقریظ بر کتاب *مشکات أدب ناصری* نوشته است: «ثم الشیخ محمود المعرب إمام مسجد الحاج أبی الحسن المعمار فی ۱۳۰۵ ق» (نک. تهرانی، ۱۴۰۸ ق: ۵۳/۲۱).

همچنین، تقریظ منظومی از شیخ محمود معرب تهرانی در کتاب *صاح الحمامة فی احوال والدی العلامة* اثر حاج میرزا ابوالفضل تهرانی (م. ۱۳۱۷ ق.) آمده که این کتاب شرح حال مفصل پدرش، آیت‌الله میرزا ابوالقاسم کلانتری تهرانی است (نک. انصاری، ۱۳۸۷: ۳۰۰/۱). البته در این تقریظ، دانسته نشد که وی کدام‌یک از محمود معرب‌های معرفی شده در قبل است.

۶- نام کتاب و حالات پیش‌رو

نسخه‌های خطی کتاب *کشف‌الارتیاب*، بدون عنوان و نام کتاب در ابتدای خود هستند؛ به جز یک نسخه شماره ۱۲۰۵۲ کتابخانه مجلس که در صفحه اول متن، قبل از بسم‌الله نوشته است: «هذه رسالة كشف الأرتیاب عن تحریف كتاب رب الأرباب» (نک. معرب تهرانی، بعد ۱۳۱۸ ق: ۳). از ظاهر صفحه درج شده و اینکه نسخه متأخر است و در نسخه‌های متقدم، عنوانی برای کتاب وجود ندارد، پیداست که این عنوان را نسخه‌بردار به نسخه اضافه کرده است؛ به‌ویژه اینکه فهرستی نیز از متن کتاب در ابتدای نسخه اضافه شده است. اما در متن نسخه‌های خطی، مؤلف در مقدمه کتاب، خود به نام کتابش تصریح داشته و نوشته است: «... و سمیتها بکشف‌الارتیاب عن تحریف كتاب رب الأرباب، و رتبها علی مقدمه و ثلاث مقالات و خاتمة...» (معرب تهرانی، بعد ۱۳۱۸ ق: برگ ۶). البته توصیف کتاب *کشف‌الارتیاب* در منابع مختلف و نیز با توجه به نسخه‌های موجود از آن متفاوت است؛ و عبارت‌اند از:

۶-۱ سه مدل کتاب *کشف‌الارتیاب* داریم

با توجه به توصیفات تراجم‌نگاران و نیز نسخه‌های خطی، اکنون سه مدل از کتاب *کشف‌الارتیاب*، پیش روی ماست:

۶-۱-۱ *کشف‌الارتیاب* با تقریظ میرزا ابوطالب زنجانی

طبق گفته صاحب اعیان‌الشیعه که پیشتر گذشت، کتاب کشف‌الارتیاب عن تحریف کتاب رب‌الأرباب، تألیف میرزا محمود بن ابی‌القاسم طهرانی، که رد بر کتاب فصل‌الخطاب نوری بوده است، تقریظی از سید ابوطالب الموسوی الزنجانی داشته است (نک. امین عاملی، ۱۴۰۳ ق: ۱۰۱/۱۰).

اما نسخه‌های کنونی و در دسترس، اینگونه نیستند؛ بنابراین، این نسخه ذکر شده می‌تواند یک مدل از کتاب کشف‌الارتیاب باشد.

۶-۱-۲ کشف‌الارتیاب با شبهات یهود در اول آن

آقابزرگ تهرانی، در چندجا که از کشف‌الارتیاب نام برده است (تهرانی، ۱۴۰۸ ق: ۲۲۰/۱۰؛ ۱۸۸/۱۱؛ ۲۳۱/۱۶؛ ۹/۱۸؛ تهرانی، ۱۴۰۴ ق: ۳۰۵/۵)؛ بیشتر به توصیف و توضیح رساله جوابیه محدث نوری پرداخته است. تنها در دو جای الذریعه، وقتی خواسته است کتاب کشف‌الارتیاب را معرفی کند، در توضیح این کتاب، آن را توصیف کرده است:

الف - «... أول كشف الارتیاب: [...] و فرغ منه في السابع عشر من جمادى الآخرة في ۱۳۰۲ يقرب من أربعة آلاف بيت، مرتبا على مقدمة و ثلاث مقالات و خاتمة، و أول إشكالاته أنه إذا ثبت تحریف القرآن يقول اليهود فلا فرق بين كتابنا و كتابكم في عدم الاعتبار فأجاب في الرسالة بأن هذا مغالطة لفظية...» (تهرانی، ۱۴۰۸ ق: ۹/۱۸).

ب - «... أول شبهات كشف الارتیاب هو أنه إذا ثبت تحریف القرآن فليهود أن يقولوا إذا لا فرق بين كتابنا و كتابكم في عدم الاعتبار فأجابه شيخنا النوري بأن هذا الكلام مغالطة لفظية...» (نک: تهرانی، ۱۴۰۸ ق: ۲۲۰/۱۰).

بنابراین، نسخه معرفی شده آقابزرگ از کشف‌الارتیاب، جدای از اینکه اشاره‌ای به تقریظ میرزا ابوطالب زنجانی ندارد، برای ابتدای محتوای کتاب، اشکالات یهودی [خیالی] (نک. استادی، ۱۴۰۰) را مطرح کرده است. پس این توصیف از نسخه آقابزرگ را نیز می‌توان یک

مدل دیگر از کتاب کشف‌الارتیاب دانست؛ هرچند بعداً خواهیم گفت، ایشان نسخه کشف‌الارتیاب را ندیده‌اند.

۳-۱-۶ کشف‌الارتیاب در دسترس

منظور از «کشف‌الارتیاب در دسترس»، همین نسخه‌های خطی موجود از کشف‌الارتیاب است که پیشتر معرفی شدند. آغاز این کتاب «الحمد لله الذی انزل علی عبده الکتاب و لم يجعل له عوجاً...» و انجام آن «... و قد فرغ منه مؤلفه الراجی عفوره به الکریم، سابع عشر جمادی الاخره من السنة الثانية من المایة الرابعة بعد الالف...» است.

نسخه‌های کنونی و در دسترس ما، نه تقریظ میرزا ابوطالب زنجانی را دارند و نه در اول آنها اشکالات یهودی [خیالی] مطرح شده است (نک. استادی، ۱۴۰۰)؛ بنابراین، این نسخه‌های خطی ذکرشده و موجود، یک مدل دیگر از کتاب کشف‌الارتیاب هستند.

۲-۶ حالات پیش‌روی ما

با توجه به ابهامات پیش‌روی ما درباره نام کتاب و نام مؤلف و همچنین، چندین گزارش متفاوت از نسخه‌های کتاب کشف‌الارتیاب، اکنون درباره کتاب کشف‌الارتیاب و جوابیه محدث نوری و نیز توصیف آقابزرگ تهرانی، چند حالت پیش‌روی ما قرار می‌گیرد:

الف- کتاب موجود، کشف‌الارتیاب نیست و توصیف آقابزرگ از کتاب کشف‌الارتیاب اصلی (که در دسترس ما نیست) درست است.

به عبارت دیگر، رساله جوابیه محدث نوری، واقعاً در رد کتاب کشف‌الارتیاب است؛ اما آن کتاب کشف‌الارتیاب، کتاب دیگری به جز کتاب موجود و در دست ماست که اکنون کشف‌الارتیاب خوانده می‌شود.

ب- کتاب موجود کنونی، کشف‌الارتیاب است؛ ولی توصیف آقابزرگ از کتاب کشف‌الارتیاب (که در دسترس ما است) اشتباه است.

به عبارت دیگر، کتابی که در دسترس ما قرار دارد، واقعاً کتاب کشف‌الارتیاب است؛ اما آقابزرگ به اشتباه گفته است که اول آن، اشکال یهودی است و جوابیهٔ محدث نوری در رد این کتاب حاضر است. چرا؟ چون متن کتاب کنونی، کاملاً با رسالهٔ محدث نوری هماهنگ نیست.

ج- هم کتاب موجود، کشف‌الارتیاب نیست؛ و هم توصیف آقابزرگ از کتاب کشف‌الارتیاب اشتباه است؛ یعنی هم آقابزرگ به اشتباه نسبت داده و توصیف کرده است و اساساً جوابیهٔ حاجی نوری در جواب کتاب کشف‌الارتیاب نیست و هم اساساً کتاب کنونی و در دسترس ما، کشف‌الارتیاب نیست و نام دیگری دارد.

د- عکس مورد بالا، یعنی هم کتاب موجود، کشف‌الارتیاب است و هم توصیف آقابزرگ از کتاب کشف‌الارتیاب درست است.

همهٔ این حالات، در دو احتمال کلی درخور بررسی است.

۱-۲-۶ احتمال یک؛ کتاب موجود، کشف‌الارتیاب نیست

با توجه به متن موجود نسخه‌های خطی و نیز توصیف صاحب‌اعیان‌الشیعه و الذریعه از کتاب کشف‌الارتیاب، اکنون از متن کتابی که کشف‌الارتیاب خوانده می‌شود و در دسترس است، شاهی نداریم تا الزاماً نشان دهد این کتاب، همان کتاب اشاره‌شدهٔ آقابزرگ تهرانی و سید محسن امین است.

همچنین، چون آقابزرگ تهرانی بیشترین مطلب دربارهٔ کتاب کشف‌الارتیاب و مؤلف آن را بیان کرده است، دانستن این نکته که آیا مصداق کتاب کشف‌الارتیاب مدنظر او، همین کتاب کنونی و در دسترس ماست، بسیار اهمیت دارد؛ ولی اکنون، شاهد متقنی از متن آثار آقابزرگ تهرانی در دست نداریم تا نشان دهد منظور آقابزرگ از کتاب کشف‌الارتیاب، همین نسخه‌های موجود و در دسترس ما هستند.

۲-۲-۶ احتمال دو؛ کتاب موجود، کشف‌الارتیاب است

در این احتمال که کتاب موجود، همان کشف‌الارتیاب است، حداقل دو حالت مطرح

است:

حالت اول: آقابزرگ کتاب محمود بن ابی‌القاسم را نداشته یا نخوانده است و به اعتبار متن رساله‌ی جوابیه محدث نوری و برخی شنیده‌هایش گفته است که «و أول إشکالاته أنه إذا ثبت تحریف القرآن یقول الیهود فلا فرق بین کتابنا و کتابکم فی عدم الاعتبار» (نک. تهرانی، ۱۴۰۸ ق: ۲۲۰/۱۰؛ ۹/۱۸).

در این حالت، شیخ آقابزرگ تهرانی در توصیف کتاب کشف‌الارتیاب، دچار اشتباه شده است؛ زیرا نسخه‌های خطی کتاب، این مطالب را ندارد و اساساً کتاب کشف‌الارتیاب موجود کنونی، ارتباط مستقیمی با جوابیه‌ی محدث نوری ندارد.

حالت دوم: آقابزرگ کتاب محمود بن ابی‌القاسم را داشته و خوانده است؛ اما نسخه‌ی در دست آقابزرگ تهرانی، صفحاتی در ابتدای داشته است که نسخه‌های خطی در دست ما آنها را ندارد؛ به این معنی که یا صفحاتی نوشته‌ی محمود بن ابی‌القاسم و یا شخص دیگری (همانند تقریظ میرزا ابوطالب زنجانی) در نسخه وجود داشته است که ذکر آن پیشتر گذشت.

ظاهراً این نوشته‌ی احتمالی ابتدایی کشف‌الارتیاب یا شاید تقریظ میرزا ابوطالب زنجانی، جزء اصل نسخه‌ی کتاب محمود بن ابی‌القاسم نبوده است؛ زیرا در چندین نسخه‌ی خطی این کتاب نیامده است. شاید در یک نسخه‌برداری ویژه از کشف‌الارتیاب، تقریظ زنجانی به متن نسخه سرایت کرده و آقابزرگ تهرانی از دیدن همان اضافی ابتدای کتاب تصور کرده است که جوابیه‌ی محدث نوری در رد کتاب کشف‌الارتیاب است.

۳-۶ جمع‌بندی وضعیت نام کتاب و هویت آن

این احتمال که آقابزرگ تهرانی کتاب کنونی کشف‌الارتیاب را دیده باشد، متفی و یا بسیار ضعیف است؛ زیرا آقابزرگ توصیفی از متن اصلی کتاب و نیز آغاز و انجام نسخه‌شناسی کشف‌الارتیاب ارائه نداده است و به نظر می‌رسد که آقابزرگ تهرانی، اساساً متن کتاب کشف‌الارتیاب موجود و در دسترس ما را ندیده است و براساس برخی شنیده‌ها

و نیز دیدن نسخه رساله محدث نوری، کشف‌الارتیاب را معرفی کرده است. در هر صورت، چه کتاب کنونی و در دسترس ما، نامش کشف‌الارتیاب باشد و چه نباشد و از آن سو، چه آقابزرگ این کتاب موجود را دیده باشد و چه ندیده باشد و به اشتباه آن را توصیف کرده باشد، این مطلب درخور پشتیبانی است که رساله جوابیه محدث نوری در رد کتابی نیست که اکنون در دسترس ماست و کشف‌الارتیاب خوانده می‌شود. به دلایل این ادعا در عنوان بعد پرداخته می‌شود.

۷- شواهدی که نشان می‌دهد رساله نوری جواب کشف‌الارتیاب نیست

در میان ردیه‌هایی که بر فصل الخطاب نوشته شده است (نک. استادی، ۱۴۰۲)، تنها یک نوشته درباره فصل الخطاب حاجی نوری در دسترس است که با تاریخ رساله جوابیه محدث نوری هماهنگ است؛ یعنی کتابی که اینگونه معرفی شده است: کشف‌الارتیاب فی عدم تحریف کتاب رب الارباب، تألیف محمود بن ابی القاسم مشهور به معرب تهرانی، به تاریخ کتابت ۱۳۰۲ ق.

شواهد و دلایلی بر روی هم (و نه الزاماً تک‌تک) نشان می‌دهد که رساله جوابیه محدث نوری، جواب کتاب کشف‌الارتیاب در دسترس ما نیست؛ این شواهد عبارت‌اند از:

۷-۱ سؤال و جواب‌های رساله جوابیه، بی‌ربط به کشف‌الارتیاب هستند

سه سؤالی که در رساله جوابیه، به آنها پاسخ داده شده است، عبارت‌اند از:

۱- «یهود[یان خیالی] اعتراض کردند بر مسلمانان که شما بر ما طعن می‌زدید که تورات شما محرف و از این جهت بی‌اعتبار [است]، و خود می‌گویید [که] قرآن ما محرف است؛ پس [شما] با تورات [ما]، در بی‌اعتباری [کتاب]، شریک [هستیم] و شما با ما در این طعن، یکسان باشید».

۲- «یهودی [خیالی] گفته که مسلمانان از پیغمبر خود چیزی به نشانه و یادگار و

دستورالعمل برای امور معاش و معاد خود ندارند، جز قرآنی که آن را به آنجناب نسبت دهند؛ و خود می‌گویند که سند آن منتهی می‌شود به جماعتی که در شرع، وقعی و احترامی برای کلام ایشان نیست؛ پس برای نسبت‌دادن ایشان قرآن را به نبی خود، راهی ندارند».

۳- «یهودی خیالی گفته که از پیغمبر مسلمانان معجزه بتواتر معلوم نیست؛ جز قرآن که دعوی کنند که آن معجزه نبی ما است که باقی مانده؛ و به انتهای سند (آن چنانچه گذشت) به آن جماعت [خلفا می‌رسد] که اطمینانی نیست به صدق اخبار ایشان، [پس با این وضعیت] معجزه برای پیغمبر خود نتوانند ثابت نمود» (نک. نوری، ۱۳۰۳ ق: سراسر متن).

هر سه سؤالی که در جوابیه محدث نوری به آنها پرداخته شده است، اولاً در جواب یک «یهودی خیالی» است؛ و ثانیاً محتوای آنها درباره یهود و مسلمان است؛ یعنی اعتراض یهودی به مسلمان که کتاب تو نیز تحریف شده است.

در صورتی که مطالب و اشکالات مطرح شده در کتاب *کشف‌الارتیاب* کنونی، متنوع و به تناسب کل مطالب کتاب *فصل الخطاب* محدث نوری نگارش یافته است و اساساً متن کتاب، مرتبط با جواب‌ها در *رساله جوابیه* نیست؛ مگر سؤال سوم که اشاراتی از آن در بخش اندکی از مقدمه کتاب *کشف‌الارتیاب* درباره تواتر و معجزه درخور ردیابی است (معرب تهرانی، بعد ۱۳۱۸ ق: ۱۹). به عبارت دیگر، به این سؤالات و شبهات مطرح شده در *رساله جوابیه* نوری، در کتاب *کشف‌الارتیاب* پرداخته نشده است.

۲-۷ مخاطب جوابیه از ارکان اعظم بوده است

با توجه به دو قرینه موجود در *رساله جوابیه* محدث نوری، روشن است که مخاطب رساله و ایرادکننده شبهات بر کتاب *فصل الخطاب*، عالم مهم و مشهوری بوده است؛ این دو شاهد عبارت‌اند از:

الف- در ابتدای متن رساله آمده است: «... مرسل اوراق [شبهات بر *فصل الخطاب*] از

ارکان اعظم و اجابت مسئولش متحتم و لازم بوده...» (نک. نوری، ۱۳۰۳ ق: ۱).

ب- این نکته نیز مهم است که فرستنده اوراق شبها و درخواست‌کننده جواب، ارج و منزلتی نزد میرزای شیرازی داشته است که میرزای بزرگ از محدث نوری خواسته است تا جواب نامه داده شود. در ابتدای جوابیه ذکر شده است:

«...استادنا الاعظم و طود العلم الاشم الحاج میرزا محمد حسن الشیرازی، متع الله المسلمین بطول بقائه، اوراقی ابراز فرمودند که در آن ثبت بود بعضی ایرادات بر کتاب "فصل الخطاب" حقیر؛ که نزد ایشان فرستاده بودند و مستدعی جواب شدند... حسب الامر امتثال نموده، در نهایت ایجاز و اختصار نوشتم؛ و به نظر انور رساندم. تحسین فرمودند» (نک. نوری، ۱۳۰۳ ق: ۱).

در انتهای رساله نیز نوشته شده است: «... چون حسب الامر [میرزا محمد حسن الشیرازی] مأمور به ایجاز و اختصار بودم، [پس اکنون] رشته سخن را قطع نمودم. و الحمد لله اولاً و آخراً و...» (نک. نوری، ۱۳۰۳ ق: ۲۰).

۳-۷ معرب تهرانی، به نوعی ناشناخته و در حد نوری نبوده است

پیشتر بیان شد که محمود بن ابی القاسم، مؤلف کتاب کشف الارتیاب عن تحریف کتاب رب الارتیاب، به نوعی ناشناخته و مجهول الوصف است و شرح حالی ندارد؛ بنابراین، بدان معنی است که وی در حد محدث نوری و مورد توجه میرزای شیرازی نبوده است که حاجی نوری بخواهد پاسخ وی را آن هم در اسرع وقت بدهد؛ نیز با توجه به تقریظ میرزا ابوطالب زنجانی، به نظر می‌رسد شأن علمی و اجتماعی مؤلف کشف الارتیاب، از زنجانی چهل و سه ساله کمتر بوده است.

از متن ابتدای کشف الارتیاب نیز برمی‌آید که نویسنده کتاب، خود را در حد محدث نوری نمی‌دانسته است؛ و جدای از اینکه در کتاب خود از محدث نوری به عنوان عالم مهم تعریف کرده و گفته است: «فاضل الباذل و المحدث الكامل الحاج میرزا حسین النوری دام تأییده» (معرب تهرانی، بی تا: ۴)، در جای جای کتاب خود نیز به مقام علمی او توجه داشته و در موقعیت‌های مختلف متن کتاب خود، از وی به تکرار «فاضل المحدث» یا «فاضل

المذکور» یا «هذا الفاضل» و «فاضل» نام برده است (برای نمونه نک. معرب‌تهرانی، بی‌تا: ۱۱، ۱۲، ۱۴). همچنین، در ابتدای متن کتاب نیز تأکید دارد که قصد کوچک کردن محدث نوری را ندارد (معرب‌تهرانی، بی‌تا: ۵).

این وضعیت، جدای از تفاوت بزرگی و شأن اجتماعی و علمی محدث نوری و مؤلف کتاب کشف‌الارتیاب، با گلایه‌های محدث نوری در رساله‌ی جوابیه نیز هماهنگی ندارد که در عنوان بعد به آن می‌پردازیم.

۷-۴ کشف‌الارتیاب کنونی، حاوی سخنان غیرلایق به اهل علم و تقوی نیست

در ابتدای رساله‌ی جوابیه‌ی نوری آمده است: «... از جواب بعضی از سخنان غیرلایق به اهل علم و تقوی که در آنجا داشت، کریمانه اعراض کردم که "وَ إِذَا مَرَّوُا بِاللَّعُورِ مَرَّوْا كِرَامًا" و «بِالله التوفیق و هو حَسْبُنَا وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ» (نک. نوری، ۱۳۰۳ ق: ۱).

از این مطلب، روشن می‌شود که نویسنده‌ی اوراق/اشکالات بر فصل الخطاب، سخنان کنایی و حاشیه‌ای نیز نسبت به نوری و اثرش ابراز داشته است که نوری از پاسخ به آنها یا به‌خاطر متانت و صبر خودش و یا به‌خاطر بزرگی و جلالت اشکال‌کننده، گذر کرده است. هرچند در یک‌جا، محدث نوری عنان صبر از کفش خارج می‌شود و در رساله نوشته است: «سبحان الله، برای محضر عدل جبار جل و علا که جای تدلیس و شبهه‌کاری نیست؛ چه عذر مهیا شده برای این افتراء که عبارت مسلمانی را چنین لباس کفری بپوشانند؛ و نسبت اعتقاد عدم وجود معجزه متواتره مطلقه به صاحبش دهند و عوام کالانعام را بشورانند و نسبت کفر و زندقه و الحاد به او دهند. الحق، مستحق است کسی که تمام عمر را صرف در نشر معجزه و فضائل و سنن و کرامات اصحاب و علماء کرده، به او نسبت دهند که برای پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله معجزه قائل نیست؟» (نوری، ۱۳۰۳ ق: ۱۸).

این در صورتی است که این سخنان در کتاب کشف‌الارتیاب وجود ندارد و پیشتر اشاره شد که مؤلف کشف‌الارتیاب، از محدث نوری به بزرگی و احترام یاد کرده است و تصریح

دارد که قصد کوچک کردن محدث نوری را ندارد.

۵-۷ نسبت صفحات ردیه، ناهماهنگ با حجم کشف‌الارتیاب است

اگر مخاطب رساله جوابیه محدث نوری، کتاب کشف‌الارتیاب بود، باید محدث نوری به کل اشکالات و شبهات این کتاب بپردازد؛ در صورتی که حجم رساله نوری حدود بیست صفحه است و حجم کتاب محمود بن ابی‌القاسم، بیش از ۲۰۰ صفحه است؛ یعنی جدای از اینکه مطالب کتاب و اشکالات با هم مرتبط نیستند، حجم اشکالات و کتاب نیز با هم ناهماهنگ است.

۶-۷ رساله جوابیه در پاسخ «اوراق» و «مرسله» است نه کتاب

طبق مقدمه رساله جوابیه حاجی نوری (نوری، ۱۳۰۳ ق: ۱)، این رساله در جواب «اوراق» و «مرسله» است، نه یک کتاب با ساختار مقدمه و بدنه و خاتمه. ظاهر عبارت محدث نوری گویای این مطلب است که جوابیه وی در پاسخ چند ورق کاغذ بوده است که به صورت نامه برای میرزای شیرازی ارسال شده است.

۷-۷ زبان رساله ردیه، هماهنگ با زبان کشف‌الارتیاب نیست

متن اصلی رساله جوابیه میرزای حسین نوری، به زبان فارسی است؛ این وضعیت می‌تواند شاهد آن باشد که متن اوراق ارسالی به میرزای شیرازی نیز به زبان فارسی بوده است؛ این در صورتی است که متن کتاب کشف‌الارتیاب، به تمامی به زبان عربی است. قاعده معهود براساس شواهد تاریخی بر این است که در دادوستد علمی میان علما، به‌ویژه در دوره‌های متقدم، تناسب و سنخیت زبانی، میان نوشته‌های ردیه و جوابیه برقرار بوده است.

۸-۷ محدث نوری در آثارش به کتاب کشف‌الارتیاب اشاره‌ای ندارد

حاجی نوری در خاتمه مستدرک که به آثار خود اشاره کرده است، به رساله جوابیه نیز اشاره دارد و نوشته است: «رسالة في رد بعض الشبهات على كتابنا فصل الخطاب» (نوری ۱۲۹۸ ق: ۳۴۵/۹)؛ اما در اینجا، اسمی از کشف‌الارتیاب و مؤلف آن مطرح نیست. همچنین، در

دیگر آثار و نوشته‌های محدث نوری نیز تصریح یا اشاره‌ای به کتاب کشف‌الارتیاب و نیز شیخ محمود تهرانی نیامده است. این وضعیت می‌تواند گویای آن باشد که رساله‌ی جوابیه‌ی حاجی نوری ارتباطی به کتاب کشف‌الارتیاب ندارد.

۸- نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر، ضمن معرفی نسخه‌های خطی، چاپی و بررسی شکلی و محتوایی کتاب کنونی کشف‌الارتیاب و نیز بررسی نام مؤلف و ترجمه‌ی وی مشخص شد که آقابزرگ تهرانی در شناسایی و معرفی کتاب کشف‌الارتیاب و ارتباط آن با جوابیه‌ی محدث نوری، دچار اشتباه یا سوء تفاهم بوده است.

همچنین مشخص شد که ردیه و اشکالات بر کتاب *فصل الخطاب* که محدث نوری بر آن جواب نگاشته است، حاوی سؤالات و اشکالات اندکی بوده است که البته شامل تندی بر محدث نوری و نیز چند شبهه‌ی مرتبط با طعن یهود، به زبان فارسی بوده است؛ بنابراین جوابیه‌ی محدث نوری، طبق شواهدی که بیان خواهد شد، در رد کتاب کنونی کشف‌الارتیاب، اثر محمود بن ابی‌القاسم (معروف به معرب تهرانی) نیست و این کتاب ردیه بر *فصل الخطاب* که تألیف ۱۳۰۲ ق است، ارتباط مستقیمی به رساله‌ی جوابیه‌ی (۱۳۰۳ ق) محدث نوری ندارد. این شواهد، عبارت‌اند از: ۱- سؤال و جواب‌های رساله‌ی جوابیه، بی‌ربط به کشف‌الارتیاب هستند؛ ۲- مخاطب جوابیه از ارکان اعظم بوده است؛ ۳- معرب تهرانی، به نوعی ناشناخته و در حد نوری نبوده است؛ ۴- کشف‌الارتیاب کنونی حاوی سخنان غیرلایق به اهل علم و تقوی نیست؛ ۵- نسبت صفحات ردیه، ناهماهنگ با حجم کشف‌الارتیاب است؛ ۶- رساله در جواب «اوراق» و «مرسله» است نه کتاب؛ ۷- زبان رساله‌ی ردیه، هماهنگ با زبان کشف‌الارتیاب نیست.

پیشنهاد

اکنون که مشخص شده است که جوابیه محدث نوری، ارتباطی با کشف‌الارتیاب و شخص معرب تهرانی ندارد، به این معنی خواهد بود که صاحب شبهات بر محدث نوری و نویسنده آن، مجهول است؛ بنابراین لازم است طبق شواهد شکلی و محتوایی رساله جوابیه نوری و نیز جریانات تاریخی درباره کتاب *فصل الخطاب* در ایران و عراق، نویسنده این اشکالات و شبهات بر *فصل الخطاب* شناسایی شود (نک. استادی، ۱۴۰۱).

منابع

۱. احمدی، راضیه (۱۳۹۰)، «مرحوم طهرانی و دفاع از حریم قرآن در کشف‌الارتیاب»، *بینات*، سال ۱۸، شماره ۷۱، ص ۱۲۹.
۲. استادی، رضا (۱۳۵۴)، *فهرست صد و شصت نسخه از یک کتابخانه شخصی*، قم: چاپخانه مهر.
۳. استادی، رضا (۱۳۹۶)، *آشنایی با تفاسیر به ضمیمه مسأله عدم تحریف قرآن*، قم: ارزشمند.
۴. استادی، کاظم (۱۴۰۰)، «معرفی رساله در جواب شبهات به *فصل الخطاب*»، *پژوهشنامه نسخه‌شناسی متون نظم و نثر فارسی*، دوره ۶، شماره ۱۶، ۳۳۲-۳۰۴.
۵. استادی، کاظم (۱۴۰۱)، «شناسایی مخاطب رساله جوابیه محدث نوری به شبهات بر *فصل الخطاب*»، *پژوهشنامه نسخه‌شناسی متون فارسی*، دوره ۷، ش ۱۷، ۱۳۶-۱۰۶.
۶. استادی، کاظم (۱۴۰۲)، «واکاوی و مأخذشناسی ردیه‌های بر کتاب *فصل الخطاب* محدث نوری در عدم تحریف قرآن»، *فصلنامه مطالعات قرآنی*، دوره ۱۴، آذر شماره ۵۵.
۷. امین عاملی، سید محسن (۱۴۰۳ ق)، *اعیان الشیعه*، بیروت: دارالتعارف؛ نیز: همان، چاپ

۱۴۲۱ ق.

۸. انصاری، ناصرالدین (۱۳۸۷)، اختران فقاہت بررسی زندگی علمی و سیاسی گروهی از علمای سده اخیر، قم: دلیل ما.
۹. تهرانی، آقابزرگ (۱۳۶۵)، میرزای شیرازی (ترجمه هدیه الرازی الی الامام المجدد الشیرازی)، مترجم: محمد دزفولی، تهران: وزارت ارشاد اسلامی.
۱۰. تهرانی (آقابزرگ)، محمد محسن (۱۴۰۴)، نقباء البشر فی القرن الرابع عشر، مشهد: دارالمرتضی.
۱۱. تهرانی (آقابزرگ)، محمد محسن (۱۴۰۸)، الذریعة الی تصانیف الشیعه، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
۱۲. صحتی سردودی، محمد (۱۳۷۴)، محدث نوری (روایت نور)، قم: انصاریان.
۱۳. صحرائی، شهرام (۱۳۹۵)، میرزا ابوطالب زنجانی (مقاله مدخل دانشنامه جهان اسلام)، تهران: دانشنامه جهان اسلام.
۱۴. صدرایی خویی، علی؛ عبدالحسین حائری (۱۳۷۶)، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی (ج ۳۵)، قم: بوستان کتاب.
۱۵. مرعشی، سید محمود (۱۳۹۰)، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مرعشی (ج ۱۹)، قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی.
۱۶. معرب تهرانی، محمود بن ابی‌القاسم (۱۳۱۸ ق)، کشف‌الارتیاب عن تحریف کتاب رب‌الارباب، مخطوط، قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی، شماره ۷۳۶۱.
۱۷. معرب تهرانی، محمود بن ابی‌القاسم (۱۳۹۳)، «کشف‌الارتیاب عن تحریف کتاب رب‌الارباب»، تصحیح فتح‌الله نجارزادگان، مجله آفاق نور، پاییز شماره ۲۰، ۲۵۲-۱۹.
۱۸. معرب تهرانی، محمود بن ابی‌القاسم (۱۳۹۷)، تحقیق و تصحیح کتاب کشف‌الارتیاب فی تحریف کتاب رب‌الارباب، (در مجموعه تراث الشیعه القرآنی، ج

- ۸، قم: مکتبه التفسیر و علوم القرآن.
۱۹. معرب تهرانی، محمود بن ابی‌القاسم (بعد ۱۳۱۸ ق)، کشف‌الارتیاب عن تحریف کتاب رب‌الارباب، نسخه خطی، تهران: کتابخانه مجلس شورای اسلامی، شماره ۱۲۰۵۲.
۲۰. معرب تهرانی، محمود بن ابی‌القاسم (بی‌تا)، کشف‌الارتیاب عن تحریف کتاب رب‌الارباب، نسخه خطی، تهران: کتابخانه مجلس شورای اسلامی، شماره ۵۴۹۳.
۲۱. معرب تهرانی، محمود (۱۴۴۳ ق)، کشف‌الارتیاب عن تحریف کتاب رب‌الارباب؛ و معه أجوبة خاتم المحدثین بالفارسیة (به‌ضمیمه فصل الخطاب)، حقه و علقه علیه: السيد محمد جواد الحسینی، [ظاهراً چاپ] لبنان: دارالنون.
۲۲. منزوی، احمد (۱۳۴۸)، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی (ج ۱۶)، تهران: بی‌نا.
۲۳. نقشبندی، اسامه ناصر (۱۳۸۹ ق)، فهرس مخطوطات علوم القرآن الکریم و تفاسیره فی مکتبات العراق، لندن: مؤسسه الفرقان للتراث الاسلامی.
۲۴. نوری، حسین بن محمدتقی (۱۲۹۸ ق)، فصل الخطاب فی تحریف کتاب رب‌الارباب، نجف: چاپ سنگی.
۲۵. نوری، حسین بن محمدتقی (۱۴۱۹ ق)، الفیض القدسی فی ترجمه العلامة المجلسی، بی‌جا: مرصاد.